

بولتن ۲۵ نوامبر روز لغو خشونت علیه زنان

زن و برابری
۲۰۲۶



بیانیه:

۲۵ نوامبر،روزجهانی منع خشونت علیه زنان

خشونت نهادینه شده را به سازمان‌یابی اجتماعی علیه خشونت و نابرابری تبدیل کنیم!

«روزجهانی منع خشونت علیه زنان»۲۵ نوامبر، به دنبال تصویب قطعنامه سازمان ملل متحد، به‌عنوان نام‌گذاری شد. زنان درسراسرجهان ازنخستین قربانیان خشونت ونابرابری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند. درسال‌های اخیر، با گسترش جنگها و تشدید بحرانهای اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه داری جهانی، ابعاد و آمار خشونت علیه زنان نیز افزایش یافته است.

روزی نیست که در اخبار و رسانه ها شاهد انتشار گزارش هایی درباره به قتل رسیدن زنان، آزار و تعرض جنسی و تجاوز به آنان نباشیم. بر اساس آمارها و تحقیقات موجود، بیش از یک سوم زنان در نقاط مختلف جهان، در طول زندگی خود، با انواع خشونت، از جمله سوء استفاده جنسی، تجاوز و ضرب و شتم مواجه می شوند.

خشونت علیه زنان مختص این یا آن کشور، مذهب یا فرهنگ خاص نیست. این پدیده، با وجود تفاوت‌های فرهنگی وسیاسی میان جوامع، پدیده‌ای جهانی است وبه مرزهای ملی وجغرافیایی یا تفاوت‌های قومی ومذهبی محدود نمی‌شود.

دربسیاری ازکشورهای خاورمیانه، دولت‌های زن ستیزاسلامی نه تنها از زنان دربرابر خشونت حمایت نمی‌کنند، بلکه با قوانین و سیاست‌های خود، به بازتولید و مشروعیت بخشیدن به خشونت علیه آنان دامن می‌زنند.

فرهنگ وسنتی که ازسوی این دولت‌ها تبلیغ وآشکارا حمایت می‌شود، برمالکیت و سلطه مرد بر زن استواراست. چنین نگرشی به مردان اجازه می‌دهد که به نام اقتدار خانوادگی، زنان را مورد ضرب و شتم قراردهند وحتی تا سرحد مرگ پیش ببرند یا بدون توجه به خواست وتمایل همسر خود، به آنان تجاوزکنند.

میلیون‌ها زن در این کشورها در زندگی زناشویی با تجاوز و خشونت جنسی مواجه‌اند، در حالیکه قوانین مبتنی برشریعت، تمکین زن به مرد را به امری اجباری تبدیل کرده‌اند.

تجاوزصرفاً یک عمل جنسی نیست؛ تجاوز، اعمال خشونت، تحقیر و سلب اختیار از انسان است.

سنگسار زنان به نام ناموس، قتل زنان به بهانه عشق، وادار کردن آنان به تن‌فروشی در نتیجه فقر و محرومیت و دیگر اشکال تحقیر و سرکوب، همگی جلوه‌هایی از خشونت سازمان‌یافته علیه زنان هستند.

خشونت نهادینه شده علیه زنان در جمهوری اسلامی

در طول حاکمیت جمهوری اسلامی و در سایه قوانین ارتجاعی آن، زنان به طور گسترده قربانی خشونتی شده‌اند که در تار و پود جامعه نهادینه شده است. در چارچوب این نظام، زنان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود، از جمله حق طلاق، حق سرپرستی فرزندان، حق ارث برابر، حق سفر، حق انتخاب پوشش و بسیاری از حقوق دیگر محروم‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی با به رسمیت شناختن چندهمسری و ازدواج موقت (صیغه) برای مردان، به مناسبات مبتنی بر تبعیض جنسیتی و تبدیل زن به کالا، پوشش قانونی می‌دهد.

خشونت آشکار و سازمان‌یافته‌ای که طی بیش از چهار دهه در عرصه عمومی و خیابان علیه زنان



اعمال شده، به نیروهای سرکوبگر رژیم اجازه داده است که به زنان توهین کنند، آنان را تهدید و تحقیر کرده و مورد ضرب وشتم قرار دهند. این خشونت دولتی و نهادینه شده، در پیوند با مناسبات مردسالارانه در جامعه و خانواده، هر روز باز تولید می‌شود

جنگ، بحران اقتصادی و تشدید خشونت علیه زنان

امروز، در شرایطی از روز جهانی منع خشونت علیه زنان سخن می‌گوییم که جامعه ایران با پیامدهای جنگ و بحران‌های عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست وپنجه نرم می‌کند. زنان در شرایط ناامنی ناشی از جنگ، نه تنها بیش از گذشته در معرض خشونت‌های خانگی قرار می‌گیرند، بلکه به دلیل شرایط حاکم بر جامعه، نبود حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی و ترس از پیامدهای اعتراض، ناچار به سکوت می‌شوند. افزایش قتل‌های موسوم به ناموسی، خودکشی و تشدید نابرابری‌های جنسیتی از جمله پیامدهای این وضعیت است.

یکی دیگر از پیامدهای جنگ، تشدید نابرابری در اشتغال و حذف گسترده‌تر زنان از بازار کار است؛ وضعیتی که آنان را در معرض آسیب‌های جسمی، روانی و اقتصادی بیشتری قرار می‌دهد. در شرایط جنگی، بیکاری، گرسنگی، بیماری، جرم و جنایت و سرکوب، در اشکال قانونی و عرفی، زندگی اجتماعی را تهدید می‌کنند. زنان و کودکان از آسیب پذیرترین گروه‌های جامعه در برابر این پیامدها هستند.

جنگ، به ویژه درجوامعی که ازپیش با نابرابری‌های اقتصادی واجتماعی روبه روهستند، نه تنها زندگی وامنیت مردم رابه خطرمی‌اندازد، بلکه با تشدید این نابرابری‌ها، زمینه گسترش گرسنگی، بیماری، جرم و جنایت و سرکوب را نیزفراهم می‌کند.

چهره عریان و جنایت‌بار جنگ و نسل‌کشی در غزه را می‌توان در کشتار روزانه زنان و کودکان، گسترش فقر و بیماری‌های واگیردار، محرومیت از امکانات بهداشتی و درمانی و آلودگی‌های محیطی ناشی از بمباران و تخریب زیرساخت‌ها مشاهده کرد.

گزارش‌ها و مشاهدات از غزه نشان می‌دهند که زنان با مشکلات گسترده‌ای، از جمله خشونت جنسی، آسیب‌های روحی و روانی، حاشیه‌نشینی اجتماعی، تبعیض مواجه‌اند. جنگ و گسترش خشونت در منطقه، هزینه‌های انسانی و غیرنظامی سنگینی بر زنان تحمیل کرده است.

از سوی دیگر، نقش‌های اجتماعی و مسئولیت‌هایی که مناسبات مردسالارانه بر دوش زنان گذاشته است، آنان را موظف می‌کند که پاسخگوی نیازهای عاطفی و معیشتی فرزندان، اعضای خانواده و سالمندان باشند؛ در حالی که در بسیاری موارد، نیازها و خواسته‌های خود را نادیده می‌گیرند.

فشارهای اقتصادی، تورم و بیکاری نیز مسئولیت زنان را در مدیریت هزینه‌های خانوار و تأمین نیازهای زندگی افزایش داده و شرایط را برای آنان دشوارتر کرده است. در چنین شرایطی، بحران‌های اقتصادی و جنگی، زمینه تشدید خشونت خانگی را فراهم می‌کنند.

در واقع، مسئله فقط این نیست که جنگ‌ها به افزایش خشونت خانگی منجر می‌شوند؛ بلکه جنگ و بحران، ریشه‌های پیشین خشونت را فعال‌تر کرده و با تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، ابعاد گسترده‌تری به آن می‌بخشند.

پیامدهای اجتماعی حذف زنان از بازار کار



در شرایط «نه جنگ و نه صلح» حاکم بر ایران، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی حذف زنان از بازار کار بیش از پیش آشکار شده است. این وضعیت، افزون بر تأثیر مخرب بر معیشت خانواده، زنان را در معرض فقر شدید، افزایش استرس و فرسودگی روانی قرار می‌دهد و سلامت روانی مادران و کودکان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. بازگشت ناخواسته زنان به کار خانگیِ بدون دستمزد، استقلال اقتصادی آنان را کاهش می‌دهد. افت کیفیت زندگی کودکان، فقر آموزشی، تغذیه ناکافی و فشارهای روانی از دیگر پیامدهای این وضعیت است. در نهایت، افزایش وابستگی اقتصادی زنان و آسیب‌پذیری خانواده‌ها، زمینه را برای گسترش خشونت خانگی فراهم می‌کند.

جنگی که در زندگی روزمره کارگران، به ویژه زنان کارگر، جریان دارد، تنها به میدان‌های نظامی محدود نیست. این جنگ در لایه‌های پنهان اقتصاد و مناسبات موجود نیز جریان دارد و زندگی معیشتی میلیون‌ها نیروی کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیامدهای این وضعیت در اشکال گوناگون خشونت خانگی، فقر، ناامنی و فروپاشی معیشت خانواده‌ها خود را نشان می‌دهد؛ پیامدهایی که نخستین قربانیان آن زنان و کودکان هستند.

زنان کارگری که با تعدیل نیرو یا از دست دادن شغل خود مواجه می‌شوند، صرفاً شغل و درآمد شخصی‌شان را از دست نمی‌دهند؛ بلکه در بسیاری از موارد، بخش مهمی از درآمد و معیشت خانواده نیز به خطر می‌افتد. شمار قابل توجهی از زنان کارگر، سرپرستی خانواده را بر عهده دارند. از دست دادن شغل، به‌ویژه در نبود بیمه بیکاری و حمایت‌های مالی کوتاه مدت یا بلند مدت، آنان و خانواده‌هایشان را در معرض سقوط معیشتی قرار می‌دهد.

ریشه‌های ساختاری خشونت و ضرورت سازمان‌یابی اجتماعی

خشونت علیه زنان را نمی‌توان صرفاً به رفتار فردی مردان یا اختلافات خانوادگی تقلیل داد. خشونت در نظام سرمایه‌داری و جوامع طبقاتی مردسالار، ریشه‌هایی ساختاری دارد. نظامی که جنگ‌افروزی، بیکاری، بی‌خانمانی، زندان، شکنجه، اعدام و سرکوب را بازتولید می‌کند، مناسباتی نابرابر و استثمارگرانه را نیز بر زندگی انسان‌ها تحمیل می‌کند.

خشونت علیه زنان در پیوند با این مناسبات نابرابر، مالکیت محور و مردسالارانه بازتولید می‌شود. بنابراین، مبارزه با خشونت علیه زنان نمی‌تواند به محکوم کردن موارد فردی خشونت یا برگزاری مراسم نمادین در مناسبت‌های خاص محدود بماند. این مبارزه مستلزم مقابله با ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خشونت و سازمان‌یابی مستقل و آگاهانه زنان و نیروهای اجتماعی است.

ریشه‌کن کردن خشونت علیه زنان، بدون مبارزه علیه مناسبات ظالمانه سرمایه‌داری، تبعیض جنسیتی و سلطه مردسالارانه امکان‌پذیر نیست.

۲۱ نوامبر ۲۰۲۶ ـ ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۵

هماهنگی زن و برابری



قتل‌های ناموسی؛ قربانیان خاموش نظام طبقاتی

قتل های ناموسی دیرینه‌ترین اشکال خشونت علیه زنان هستند. این جنایات **یکی از وحشیانه‌ترین** خشونتها ست که به دست مردان خانواده، از جمله پدر، همسر، برادر یا دیگر بستگان مرد، با ادعای دفاع از «آبرو»، «شرف» و «ناموس» خانواده صورت می‌گیرند.
زنان و دختران به دلایل گوناگونی قربانی این جنایت می‌شوند؛ از جمله تن ندادن به ازدواج اجباری، تلاش برای جدایی از همسری که آنان را مورد آزار جسمی و جنسی قرار می‌دهد، قربانی شدن در تجاوز جنسی، برقراری رابطه با جنس مخالف، سرپیچی از حجاب اجباری، متهم شدن به داشتن رابطه خارج از ازدواج و حتی صرفاً به دلیل سوءظن و بدگمانی اعضای خانواده. در چنین شرایطی، خانواده یا بستگان مرد، رفتار و انتخاب زن را مایه «ننگ» و لکه‌دار شدن شرافت خود تلقی می‌کنند و با به قتل رساندن او، در پی پاک کردن این به‌اصطلاح لکه ننگ برمی‌آیند.
قتل‌های ناموسی پدیده‌ای جهانی هستند، هرچند آمار و ابعاد آن در کشورهای مختلف متفاوت است. بخش قابل‌توجهی از این جنایات در کشورهای در حال توسعه و جوامعی با ساختارهای مردسالارانه و قوانین تبعیض‌آمیز رخ می‌دهد. بسیاری از فمینیست‌ها و مدافعان حقوق زنان، ریشه این جنایات و خشونت علیه زنان را در فرهنگ، سنت‌ها و ساختار اجتماعی جوامع جست‌وجو می‌کنند. اگرچه این عوامل در بازتولید و تشدید خشونت نقش مهمی دارند، اما نمی‌توان آنها را به تنهایی عامل بنیادی این جنایات دانست. قتل‌های ناموسی در جوامع پیشرفته صنعتی نیز اتفاق می‌افتند؛ جوامعی که خود را برخوردار از فرهنگی مترقی و مدافع حقوق زنان می‌دانند. با این حال، تاکنون اقدامات این جوامع نیز نتوانسته است به طور ریشه‌ای مانع وقوع این جنایات شود.
در بسیاری از کشورهای اروپایی و غربی، سیاست‌هایی که تحت عنوان نسبیت فرهنگی و احترام به فرهنگ و باورهای مذهبی جوامع مهاجر دنبال می‌شوند، گاه به چشم‌پوشی از سنت‌های ارتجاعی و خشونت‌بار منجر شده‌اند. بنابراین، ریشه این جنایات را نمی‌توان صرفاً در فرهنگ یا مذهب جست‌وجو کرد؛ بلکه باید مناسبات اقتصادی، ساختار طبقاتی و روابط نابرابر قدرت را نیز مورد بررسی قرار داد.

خشونت خانوادگی بازتابی از خشونت حاکم بر جامعه طبقاتی و نشان‌دهنده موقعیت و جایگاه اجتماعی زنان در آن جامعه است. جایگاه اقتصادی مرد در خانواده و بازتاب آن در فرهنگ و سنت‌های اجتماعی، به شکل‌گیری این تصور انجامیده است که مرد رئیس و صاحب‌اختیار خانواده است و از موقعیتی برتر نسبت به زن برخوردار است. در چنین مناسباتی، سلطه مرد بر زن امری طبیعی و پذیرفته‌شده جلوه داده می‌شود و اعمال خشونت در واکنش به چالش‌ها، ناهنجاری‌ها و تعارضات خانوادگی و اجتماعی به امری عادی تبدیل می‌شود.

بسیاری از مدافعان حقوق زنان، عوامل وقوع قتل‌های ناموسی و خشونت نهادینه‌شده در جامعه و خانواده را در پدیده‌هایی همچون پدرسالاری، مذهب، مهاجرت، محدودیت‌های اجتماعی، تعصبات شدید، پایین بودن سطح آگاهی، زندگی عشیره‌ای و بسته در برخی مناطق، ازدواج‌های اجباری و قوانین ضد زن حکومتی جست‌وجو می‌کنند. بی‌تردید هر یک از این عوامل می‌توانند در وقوع و تشدید این جنایات و خشونت خانگی نقش داشته باشند؛ اما از دیدگاه ما، این عوامل به تنهایی توضیح‌دهنده ریشه‌های بنیادی و اقتصادی این فجایع نیستند.

انگیزه‌ها و زمینه‌های وقوع قتل‌های ناموسی

لازم است برای روشن‌تر شدن ابعاد این جنایات، به برخی از رایج‌ترین موارد و انگیزه‌های منجر به قتل‌های ناموسی اشاره کنیم.
دلایل و انگیزه‌هایی که به نام حفظ «آبرو» و «شرف» خانواده برای به قتل رساندن زنان مطرح می‌شوند، در بسیاری از نقاط جهان شباهت‌های فراوانی با یکدیگر دارند. تفاوت عمده، در میزان وقوع و نحوه ثبت و گزارش این جنایات است.
یکی از رایج‌ترین زمینه‌های قتل ناموسی، برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج رسمی است. اما باید تأکید کرد که حتی قربانی شدن زنان در تجاوز جنسی نیز می‌تواند بهانه‌ای برای ارتکاب چنین جنایتی شود. در جوامعی که



نگرش‌های عقب‌مانده مذهبی و سنتی بر مناسبات اجتماعی حاکم است، قربانی شدن زن در تجاوز جنسی، به‌جای آنکه جنایتی علیه او تلقی شود، گاه مایه شرمساری و آبروریزی خانواده و طایفه قلمداد می‌شود.

در چنین شرایطی، حضور زنی که مورد تجاوز قرار گرفته، از سوی خانواده و بستگانش مایه ننگ تلقی می‌شود و قتل او را راهی برای جبران این به‌اصطلاح شرمساری و بازگرداندن آبروی خانواده و طایفه می‌دانند. به این ترتیب، قربانی یک جنایت، بار دیگر قربانی خشونتی مرگبار می‌شود؛ خشونتی که این بار از سوی نزدیک‌ترین افراد خانواده بر او تحمیل می‌شود.

گاهی حتی مسائلی که هیچ ارتباطی با رابطه جنسی خارج از ازدواج یا تجاوز جنسی ندارند، صرفاً بر اساس سوءظن‌های شخصی و بدون هیچ‌گونه مدرک و شواهدی، به قتل ناموسی منجر می‌شوند. فرار زنان از خانه یکی از این موارد است. زنان به دلایل مختلفی ناچار به ترک خانه می‌شوند؛ ممکن است به ازدواج با مردانی بسیار مسن‌تر از خود مجبور شده باشند، یا در محیط خانواده از سوی همسر، پدر، برادر و حتی دیگر بستگان مرد، از جمله پسرعموها، تحت شدیدترین آزارهای جسمی و روانی قرار گرفته باشند. در چنین شرایطی، ترک خانه گاه تنها راه رهایی آنان از خشونت و سلطه خانوادگی است. با این حال، همین تلاش برای رهایی نیز ممکن است بهانه‌ای برای تعقیب، مجازات و حتی قتل آنان شود.

در افغانستان نیز گزارش‌هایی از وقوع تجاوز جنسی و قتل زنان توسط مأموران پلیس منتشر شده است. در شرایطی که دستگاه قضایی و نهادهای انتظامی باید وظیفه حمایت از زنان و رسیدگی به این جنایات را بر عهده داشته باشند، خود به یکی از عوامل ارتکاب خشونت و نقض حقوق آنان تبدیل می‌شوند.

فقر، نابرابری طبقاتی و خشونت علیه زنا ن

برخی تحقیقات نشان می‌دهند زنانی که در خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر زندگی می‌کنند، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری در برابر تجاوز جنسی، خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی قرار دارند. فقر اقتصادی یکی از عوامل مؤثر در تشدید این آسیب‌پذیری است. اما این واقعیت به معنای آن نیست که چنین جنایاتی در خانواده‌های مرفه و ثروتمند اتفاق نمی‌افتند.

تفاوت در این است که در خانواده‌های برخوردار از ثروت و امکانات مالی، بسیاری از این موارد با استفاده از قدرت اقتصادی، نفوذ اجتماعی و روابط خانوادگی پنهان می‌مانند و امکان سرپوش گذاشتن بر جنایت و خریدن به‌اصطلاح «آبرو» بیشتر است؛ در حالی که در خانواده‌های فقیر، زنان اغلب از چنین امکاناتی محروم‌اند و در بسیاری موارد، خشونت و سلطه خانوادگی می‌تواند به فجایعی چون قتل منجر شود.

در بسیاری از موارد، قتل ناموسی به شیوه‌ای برای مجازات زنی تبدیل می‌شود که از سلطه مرد خارج شده است؛ زنی که خواسته یا ناخواسته، با اراده خود یا تحت شرایطی خارج از اختیارش، با فرد دیگری رابطه برقرار کرده است. در واقع، آنچه به نام حفظ شرف و ناموس صورت می‌گیرد، چیزی جز اعمال حق مالکیت و سلطه مرد بر زن نیست.

در برخی جوامع، جنسیتی کردن مفاهیمی همچون «آبرو»، «عزت» و «عفت» زمینه را برای تداوم و مشروعیت بخشیدن به این جنایات فراهم می‌کند. حساسیت جامعه نسبت به این مفاهیم، هنگامی که صرفاً در ارتباط با رفتار و زندگی زنان تعریف می‌شود، بیانگر یکی از عمیق‌ترین اشکال تبعیض جنسیتی است.

مفاهیمی چون آبرو، عزت و عفت، در فرهنگ سنتی و مردسالارانه، اغلب برای کنترل رفتار زنان و تحمیل محدودیت بر آنان به کار گرفته می‌شوند. در مقابل، مفاهیمی مانند غیرت، شرف و ناموس‌پرستی به‌عنوان ویژگی‌های مردانه ستایش می‌شوند. در چنین نگرشی، «ناموس» به زنان و دختران خانواده اطلاق می‌شود که گویا به مردان وابسته و تحت مالکیت آنان هستند.

بر اساس این باور ارتجاعی، مردان موظف‌اند همواره مراقب زنان خانواده خود باشند تا مبادا غیرت، عزت و شرافتشان خدشه‌دار شود. به این ترتیب، زن نه به‌عنوان انسانی مستقل و صاحب حق، بلکه به‌عنوان موجودی تحت مالکیت و اختیار مرد تعریف می‌شود.



حق مالکیت و سلطه مرد بر زن تا آنجا پیش می‌رود که مرد نه‌تنها خود را صاحب اختیار زندگی و موجودیت زن می‌داند، بلکه با توسل به مفاهیمی همچون ناموس و ناموس‌پرستی، شأن و منزلت انسانی او را نیز زیر سؤال می‌برد. در این نگرش، زن موجودی فاقد اراده و اختیار مستقل تلقی می‌شود که باید تابع مردی باشد که به‌واسطه مناسبات خانوادگی و اجتماعی بر او تحمیل شده است.

زن در چنین شرایطی با دو راه تحمیلی روبه‌رو می‌شود: یا باید برای همیشه به این بردگی و سلطه تن دهد و از حقوق انسانی خود چشم‌پوشی کند، یا در برابر وضعیت موجود اعتراض کند و برای دستیابی به آزادی و استقلال خود مبارزه کند؛ مبارزه‌ای که در بسیاری موارد با مجازات، سرکوب و حتی حکم مرگ پاسخ داده می‌شود.

امروزه، در مقابله با این معضل جدی که زندگی و امنیت بخش بزرگی از زنان جهان را تهدید می‌کند، کمپین‌ها و جنبش‌های مختلفی در کشورهای گوناگون و در چارچوب نظام موجود شکل گرفته‌اند. با این حال، هیچ‌یک از این اقدامات به‌تنهایی نتوانسته‌اند به‌طور بنیادی به این مسئله پاسخ دهند و مانع بازتولید این فجایع شوند. همچنان هر سال بر شمار قربانیان خشونت علیه زنان افزوده می‌شود.

از دیدگاه ما، علت این ناکامی را باید در نادیده گرفتن ریشه‌های اقتصادی و طبقاتی این مناسبات جست‌وجو کرد. تنها با تغییر بنیادین مناسبات اقتصادی و برچیدن ساختارهای مبتنی بر مالکیت خصوصی و سلطه طبقاتی می‌توان زمینه‌های مادی بازتولید این نابرابری‌ها را از میان برداشت.

بخش قابل‌توجهی از فمینیست‌ها راه پایان دادن به قتل‌های ناموسی و به‌طور کلی خشونت علیه زنان را در چارچوب همین نظام، از طریق اصلاحات قانونی، رفرم و تقویت نهادهای حقوق بشری جست‌وجو می‌کنند. اما باید پرسید: با وجود دهه‌ها اصلاحات حقوقی و اجتماعی در کشورهای صنعتی و پیشرفته، چرا همچنان شاهد وقوع قتل‌های ناموسی و انواع خشونت علیه زنان در همین جوامع هستیم؟

در برخی از این کشورها، به رسمیت شناختن نسبیت فرهنگی و احترام به باورها و سنت‌های جوامع مهاجر، گاه به توجیه یا نادیده گرفتن سنت‌های زن‌ستیزانه و خشونت‌بار منجر شده است. در نتیجه، حتی جوامعی که خود را مهد دموکراسی و مدافع حقوق زنان معرفی می‌کنند، همچنان شاهد وقوع این جنایات هستند.

از این رو، انتظاری که از نهادهای حقوق بشری و اصلاحات در چارچوب نظام بورژوایی برای حل ریشه‌ای این معضل وجود دارد، انتظاری واقع‌بینانه نیست. جامعه مدرن بورژوایی، با وجود به رسمیت شناختن حقوق بشر، همچنان بر پایه رقابت عمومی، تعقیب منافع مالکیت خصوصی و مناسبات طبقاتی سازمان یافته است. در چنین جامعه‌ای، انسان از خود بیگانه می‌شود و حقوقی که در ظاهر به رسمیت شناخته شده‌اند، مانع از تداوم استثمار، تبعیض و مجازات سیستماتیک انسان‌ها نمی‌شوند.

رهایی زنان در گرو دگرگونی مناسبات مالکیت و تولید

قتل‌های ناموسی و ازدواج‌های اجباری را نمی‌توان جدا از وابستگی اقتصادی زنان و مناسبات مالکیت خصوصی بررسی کرد. آزادی واقعی زنان در انتخاب شریک زندگی، هنگامی می‌تواند به‌طور کامل تحقق یابد که ملاحظات و فشارهای اقتصادی، که هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب همسر و شکل‌گیری روابط خانوادگی دارند، از میان برداشته شوند.

از این منظر، الغای نظام تولید سرمایه‌داری و مناسبات مالکیتی ناشی از آن، شرط اساسی برای از میان برداشتن زمینه‌های مادی این وابستگی‌هاست. در شرایطی که انتخاب شریک زندگی نه تحت فشار نیازهای اقتصادی و نه بر اساس ملاحظات مالکیتی، بلکه بر مبنای اراده آزاد، علاقه و عشق متقابل صورت گیرد، امکان شکل‌گیری روابطی برابر و انسانی فراهم خواهد شد.

در جامعه طبقاتی کنونی، مرد در بسیاری از خانواده‌ها از موقعیت مسلط برخوردار است و زن در موقعیت فرودست و تابع قرار می‌گیرد. این روابط نابرابر زمانی به‌طور بنیادی دگرگون خواهند شد که امتیازات و مناسبات حقوقی و اقتصادی مبتنی بر سلطه طبقاتی و مالکیت خصوصی از میان برداشته شوند و برابری واقعی و کامل حقوقی و اقتصادی میان زنان و مردان برقرار شود.

نخستین شرط رهایی زنان، مشارکت کامل و مستقل آنان در تولید اجتماعی و برخورداری از استقلال اقتصادی است



این امر مستلزم آن است که خانواده فردی، به‌عنوان واحد اقتصادی جامعه، جایگاه کنونی خود را از دست بدهد و مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی که به‌طور نابرابر بر دوش زنان گذاشته شده است، به مسئولیتی اجتماعی تبدیل شود.
ازدواج برای آنکه رابطه‌ای آزاد و برابر باشد، باید بر اساس توافق داوطلبانه دو طرف شکل بگیرد. هر دو طرف باید در طول زندگی مشترک از حقوق، آزادی‌ها و مسئولیت‌های برابر برخوردار باشند و هیچ‌یک حق سلطه، مالکیت یا اعمال اراده بر دیگری را نداشته باشد.
در نظامی که مالکیت اجتماعی جایگزین مالکیت خصوصی شود و وسایل تولید به مالکیت اجتماعی درآیند، مناسبات مبتنی بر کار مزدی و استثمار طبقاتی نیز دستخوش دگرگونی بنیادین خواهند شد. در چنین شرایطی، وابستگی اقتصادی زنان به مردان برای تأمین معاش و زندگی نیز زمینه‌های مادی خود را از دست خواهد داد.
جایگاه مرد به‌عنوان فرمانروای خانه تغییر خواهد کرد و موقعیت زنان در خانواده و جامعه دگرگون خواهد شد. با اجتماعی شدن مالکیت وسایل تولید، خانواده فردی دیگر واحد اقتصادی جامعه نخواهد بود و بسیاری از وظایفی که امروز به‌صورت خصوصی و عمدتاً بر دوش زنان قرار دارند، به مسئولیت‌های اجتماعی تبدیل خواهند شد.

از این طریق، زمینه رهایی زنان از اسارت و بردگی کار خانگی فراهم می‌شود. مشارکت مستقل زنان در تولید اجتماعی و استقرار مالکیت اجتماعی، نه‌تنها امکان رهایی اقتصادی آنان را فراهم می‌کند، بلکه شرایط مبارزه برای برابری کامل و پایان دادن به ستم جنسی و طبقاتی را نیز گسترش می‌دهد. این مبارزه تا محو کامل مناسبات طبقاتی و نهادهای ارتجاعی و سرکوبگری که طی قرن‌ها به انقیاد انسان‌ها، به‌ویژه زنان، دامن زده‌اند، ادامه خواهد یافت.

نتیجه گیری

پایان دادن به قتل‌های ناموسی و دیگر اشکال خشونت علیه زنان، مستلزم مبارزه‌ای پیگیر و همه‌جانبه علیه مناسبات و ساختارهایی است که سلطه مرد بر زن، نابرابری اقتصادی و تبعیض اجتماعی را بازتولید می‌کنند.
از دیدگاه ما سوسیالیستها، رهایی کامل زنان و پایان دادن به ریشه‌های مادی ستم جنسی، بدون نابودی نظام سرمایه‌داری، برچیدن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و جایگزینی آن با مالکیت اجتماعی و برقراری جامعه‌ای سوسیالیستی امکان‌پذیر نخواهد بود.
تحقق چنین جامعه‌ای در گرو مبارزه طبقاتی آشتی‌ناپذیر، سازمان‌یابی و حضور فعال سوسیالیست‌ها و مشارکت آگاهانه و گسترده زنان است؛ زنانی که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و بدون حضور فعال و تعیین‌کننده آنان، هیچ مبارزه‌ای برای رهایی انسان و برابری واقعی به سرانجام نخواهد رسید.

زن و برابری



قتلهای ناموسی سال ۱۴۰۵

پدرسالاری، قانون زن‌ستیز و دخترکشی؛ سه ضلع خشونت علیه زنان

باز هم دختری نوجوان قربانی حس مالکیت پدر و مشروعیت کشتار زنان شد.
نسا، دختر نوجوان ۱۶ ساله، توسط کسی که باید پشت وپناهش می‌بود، کشته شد.



در نبود ارتباط امن نوجوانان با خانواده، خلأ آموزشی در مدارس برای مدیریت احساسات طبیعی دوران بلوغ، حفظ قوانین جنسیت‌زده و ناعادلانه به هر قیمتی و سهل‌انگاری و کوتاهی نهادهای قضایی، تصمیم‌های شخصی دختران نوجوان به بهای جانشان تمام می‌شود.

جامعه هر بار فغان سر می‌دهد، اما همین جامعه هر روز دختران نوجوان را به خاطر تفاوت در پوشش یا ارتباطی که برایش ناپسند می‌داند، آماج قضاوت‌هایی می‌کند که راه را بر هرگونه تعامل مهربانانه می‌بندد.

تغییر نه‌فقط از نکوهش قتل و تقبیح آن، بلکه باید از تغییر در رفتار تک‌تک ما و مطالبه تغییر در قانون رخ دهد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان قاطعانه چنین رویدادهای دردناکی را محکوم کرده و ضمن مطالبه جدی تغییر قوانین مربوط به حقوق زنان و مجازات‌های خشونت علیه زنان، خواستار تطبیق و هماهنگی محتوای نظام آموزشی با نیازهای امروز نوجوانان است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان



سوگند صیادی؛ از مدرسه تا مسلخ خشونت و مرگ!





سوگند صیادی، ۱۶ ساله، دانش آموزان یکی از مدارس کرمانشاه، روز ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۵، توسط مدیر و معاونان مدرسه به سبب پی بردن به مسائل خصوصی، عاطفی و انسانی وی، تصمیم می‌گیرند که با خانواده تماس بگیرند، سوگند با شناختی که از پدرش دارد اصرار می‌کند مسأله را فاش نکنند چون می‌ترسد کشته شود؛ اما مسئولان نادان و شنیع مدرسه با پدر تماس می‌گیرند، وی به مدرسه می‌آید و با شنیدن ماجرا، سوگند را مورد ضرب و شتم شدید قرار می‌دهد، بعد به خانه می‌برد؛ در خانه خشونت تکرار می‌شود و پدر با تکیه بر قوانین منحطی که به سود اوست، سوگند را از طبقه پنجم به خیابان پرت می‌کند و در دم جان می‌سپارد.

این قتل جانکاه، لکه‌ی ننگی بر پیشانی وزارت آموزش و پرورش تا همیشه‌ی تاریخ است.

مدرسه که باید امن‌ترین مکان برای رشد، آگاهی و بلوغ عاطفی دانش آموزان باشد تا بتوانند با امنیت کامل، مسائل خاص خود را مطرح کنند و راه عقلانی را بیاموزند، به محیطی امنیتی تبدیل می‌شود. بجای اینکه با عقلانیت و تدبیر آنان را برای زیستن در جامعه آماده کنند و با قوانین انسانی آشنا سازند، با سبعیت، آنان را به قوانین مرگ آفرین نرینه سالاری می‌سپارند که مرگ را تدارک دیده است.

وقتی مدارس با قوانین ارتجاعی و ایدئولوژیک حاکمیت اداره می‌شوند و از وزیر تا مدیر به برده‌ی تمام عیار این دم و دستگاه امنیتی و خردستیز مبدل می‌شوند، سپردن سوگندها به قربانگاه ناموس پرستی وقیحانه، امری عادی و معمولی تلقی می‌شود.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن این جنایت هولناک و مخالفت صریح با رویه‌های نابخردانه در سیستم ناکارآمد آموزشی، همگام با دانش‌آموزان، معلمان و مردم آگاه اعلام می‌کند:

هر قانونی، بر گرفته از هر منبعی که چنین جنایتکارانی را تبرئه می‌کند، باید از دستگاه قضایی برچیده شود.

وزارت آموزش و پرورش باید پاسخگوی عملکرد ناانسانی خود، اداره کل و کادر اجرایی مدرسه مذکور باشد.

به نگاه امنیتی و انضباطی و مداخله‌ی ضد انسانی در زندگی خصوصی دانش آموزان پایان داده شود.

قوانین خشونت‌بار مردسالارانه را در مدارس ملغی اعلام کند.

از مشاوران متخصص و آگاه به مسائل نوجوانان بصورت ویژه و حرفه‌ای استفاده شود.

نسبت به ایجاد تشکل‌های دانش‌آموزی مستقل توأم با تقویت نهادهای حمایتی مرتبط اقدام کند.





عادی شدن زن کشی



دیشب توی استان فارس یه دختر به اسم فاطمه بهزادی که یه بچه ۵ ماهه هم حامله بوده، با شوهرش دعواش میشه، شوهرشم با ضربات چاقو به قتل میرسونتش!
مادرِ فاطمه وقتی میاد از دخترش دفاع کنه، پسره با ضربات چاقو مادر زنشم به قتل می‌رسونه!

زن‌کشی در قائمشهر؛ مریم گل‌محمدی به‌دست شریک عاطفی سابق خود کشته شد!



زن ۴۲ساله‌ای به نام «مریم گل‌محمدی» اهل و ساکن قائمشهر روز ۲۰آبان۱۴۰۵ به دست شریک عاطفی سابق خود به قتل رسیده است.
گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که ضارب کمتر از ۲ساعت پس از ارتکاب به قتل بازداشت شده و به قتل این زن اعتراف کرده است.
مریم گل‌محمدی، به شغل خیاطی مشغول بود و با فرد بازداشت شده ارتباط عاطفی داشت اما این رابطه به پایان رسیده بود.
او در اعترافات خود گفت با علم به این‌که طلاهای مریم گل‌محمدی در کجا نگهداری می شوند آن‌ها را سرقت کرده بود و وقتی مریم، خواهان استرداد آن‌ها شد به شدت او را مورد ضرب و شتم قرار داد و در نهایت او را خفه کرد.
پیکر بی‌جان مریم گل‌محمدی در پارکینگ منزلش پیدا شد. فرمانده انتظامی قائمشهر نیز از شناسایی و دستگیری عاملان این پرونده در کمتر از دو ساعت پس از وقوع حادثه خبر داده است.





فاطمه نظری توسط همسرش در خرم‌آباد با انگیزه ناموسی به قتل رسید



فاطمه نظری، زن ۲۹ ساله اهل خرم آباد استان لرستان، به همراه یکشهروند مرد به نام روح الله سپهوندکیا، به دلیل هر آنچه "ناموس" خوانده می شود، با شلیک سلاح گرم به دست همسر فاطمه قتل رسیدند.

زن‌کشی تکان‌دهنده در هرسین؛ قتل فجیع زهرا سلیمانی تحت سایه قوانین زن‌ستیز جمهوری اسلامی



زهرا سلیمانی، زن ۳۲ ساله اهل هرسین، قربانی جنایت تکان‌دهنده دیگری تحت عنوان ساختگی «ناموس »شد. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، وی به شکل فجیعی توسط همسرش، کامران صفری پاساری، و مادر خودش مریم صفری پاساری (که عمه قاتل نیز هست) پس از شکنجه شدید و شکستن دست وپایش خفه شده و به قتل رسیده است.

پیکر این قربانی زن‌کشی در بهشت زهرای کرمانشاه به خاک سپرده شد. با وجود بازداشت متهمان، گزارش‌ها حاکی از فشار شدید و تهدید به مرگ اولیای دم برای اخذ رضایت اجباری است؛ رویه‌ای که در سایه قوانین زن‌ستیز و تبعیض‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی، عملاً دست قاتلان را برای اعمال خشونت علیه زنان باز می‌گذارد و فرهنگ معافیت از مجازات را ترویج می‌کند.

سیستم قضایی جمهوری اسلامی با باز گذاشتن روزنه‌های قانونی و حمایت‌های ساختاری از جانیان در پرونده‌های «زن‌کشی»، همواره شریک جرم اصلی جریان زن‌ستیزی و خشونت خانگی در ایران بوده است.





زن‌کشی؛ قتل زهرا کریم دوست توسط همسرش در بابل

زهرا کریم‌دوست، زن ۲۹ ساله اهل بابل استان مازندران، توسط همسرش با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید. قاتل پس از ارتکاب این جرم، اقدام به خودکشی کرد و به زندگی خود پایان داده است.



بر اساس گزارش‌های رسیده به سازمان حقوق بشر هه‌نگاو، روز شنبه ۲ آبان‌ماه ۱۴۰۵ (۲۴ اکتبر ۲۰۲۶)، زهرا کریم‌دوست، ۲۹ ساله و اهل بابل، در منزل شخصی خود هدف حمله و ضربات متعدد چاقو از ناحیه گردن توسط همسرش به نام رحمان آقاجانی قرار گرفت و جان خود را از دست داد. بر طبق اطلاعات منتشرشده، ضارب پس از ارتکاب این جنایت و به قتل رساندن همسرش، اقدام به خودکشی کرده است

.

کشف پیکر بی‌جان سامیه نمردی ۳۲ ساله، اهل سیریک، که از ۱۰ مهرماه مفقود شده بود.

سامیه توسط یکی از مردان اقوام دور خود به قتل رسید و بقایای پیکر مثله شده و به آتش کشیده شده‌اش در روز ۵ آبان پس از اعتراف مرد قاتل کشف شد

روز ۱۰ مهرماه هنگامی که سامیه در راه رسیدن به خانه‌ی والدینش بود، طی تماس تلفنی به خواهرش گفت که تا ده دقیقه‌ی دیگر به آنجا می‌رسد، پس از آن تلفنش خاموش شد و هرگز به منزل نرسید. خانواده‌ی سامیه، بلافاصله شروع به اطلاع‌رسانی کردند و کمی بعدتر خودروی به آتش کشیده‌شده‌ی سامیه در نزدیکی محلی که با خانواده آخرین تماس تلفنی را داشت کشف شد، ولی تا پنجم آبان‌ماه هیچ اثری از سامیه نبود. تا اینکه مردی که بنا بر گزارش خبرگزاری‌های محلی از او به عنوان «یکی از اقوام دور» سامیه نام برده شده است، به قتل سامیه اعتراف کرد و محل اختفای بقایای پیکر سامیه را لو داد. گفته شده که سامیه پولی از این مرد طلب داشت و پس از درخواست استرداد این مبلغ توسط این مرد کشته شد.







زهرا کریم دوست ۲۹ ساله توسط شوهرش به قتل رسید.



زهرا کریم‌دوست ۲۹ ساله توسط شوهرش به قتل رسید. این زنکشی روز ۲ آبان در بابل به وقوع پیوست.

زهرا کریم‌دوست ۲۹ ساله اهل بابل، روز ۲ آبان توسط شوهرش با ضربات چاقو به گردن، به طرز فجیعی به قتل رسید. بر اساس خبر، خبرگزاری رکنا در این زمینه به تاریخ ۳ آبان ماه، عنوان شده است که قاتل پس از بریدن سر زهرا، اقدام به خودکشی کرد. در صفحات مختلف مجازی عکس این زوج در کنار هم آمده است. خشونت خانگی و زنکشی توسط شوهران یکی از بیشترین آمار زنکشی در ایران است. زنکشی و به قتل رسیدن یک زن توسط شوهرش، اختلاف خانوادگی و یا مسئله شخصی نیست.



یک زن بلوچ که شامگاه پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه در منزل شخصی‌اش در شهرستان سراوان توسط همسر خود به‌شدت مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته و سپس به آتش کشیده شده بود،

پس از دو روز تحمل جراحات شدید در بیمارستان جان خود را از دست داده و نیروهای نظامی همسر وی را بازداشت کرده‌اند.

هویت این زن بلوچ کشته شده " مهسا براهویی" ۳۳ ساله، فرزند جلال‌الدین، اهل روستای کشتگان واقع در بخش بمپشت و ساکن سراوان عنوان شده است.

بر اساس این گزارش، حوالی ساعت ۹ شب دهم اردیبهشت‌ماه، همسر مهسا در حالی‌که اقدام به مصرف مواد مخدر کرده بود، وی را در منزل شخصی به‌شدت مورد ضرب‌وجرح قرار داده و سپس با فشردن گلوی او قصد کشتنش را داشته ولی مهسا مقاومت کرده و همسرش در ادامه با ریختن بنزین بر روی این زن، او را به آتش کشیده است.

پس از شنیده‌شدن صدای فریادهای مهسا، همسایگان با عبور از دیوار حیاط وارد منزل شده‌اند، اما انتقال او به بیمارستان با تأخیری نزدیک به یک ساعت انجام شده و مهسا به‌دلیل شدت بالای سوختگی جان خود را از دست داده است.





شهرکرد؛ یک زن جوان توسط راننده تاکسی اینترنتی ربوده و به قتل رسید

هەنگاو؛ سەشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

طی روزهای گذشته، یک زن جوان در شهرکرد توسط راننده یک تاکسی اینترنتی ربوده شد و به شکلی فجیع به قتل رسید. متهم پس از بازداشت، انگیزه خود را مقاومت مقتول در برابر تجاوز عنوان کرده است.



بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری هەنگاو، طی روزهای اخیر فردی که به عنوان راننده تاکسی اینترنتی فعالیت می‌کرد، یک زن جوان را به عنوان مسافر سوار کرده و در میانه مسیر با تغییر مسیر به سمت بیابان‌های اطراف روستای «کاکلک»، قصد تجاوز به وی را داشته است.

به نوشته خبرگزاری حکومتی مهر، در پی مقاومت شدید این زن جوان و ناکامی راننده در تجاوز، راننده اقدام به قتل مسافر خود کرده و سپس جسد او را در منطقه کوهستانی «آقبلاغ» رها کرده است.

فرماندهی انتظامی شهرکرد ضمن تایید این خبر اعلام کرده است که متهم بازداشت شده و در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرده است. هویت مقتول و قاتل تاکنون به صورت رسمی توسط نهادهای ذی‌ربط اعلام نشده است.

۳۰ آذر، کشف پیکر بی‌جان زن ۳۳ ساله که هویتش فاش نشده، ساکن کازرون در قعر چاهی که توسط شوهرش به قتل رسیده است.

این زن از تاریخ ۵ آبان مفقود شده بود.(منبع روزنامه اعتماد)









تهران؛ قتل زن جوان و کودک ۸ ساله توسط یک مرد با انگیزه تجاوز

یک زن جوان ۲۲ ساله قربانی کودک‌همسری به همراه دختر ۸ ساله‌اش در باقرشهر تهران، توسط مردی که با انگیزه تجاوز وارد منزل آن‌ها شده بود، با ضربات چاقو به قتل رسیدند. متهم پس از حدود ۴۵ روز بازداشت، نهایتاً به ارتکاب این جنایت اعتراف کرد.



این واقعه روز چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ در شهرک یاس باقرشهر رخ داده است. مقتولین که از پناهجویان اهل کشور ، متهم ۲۳ ساله قرار در منزل شخصی «حمان»افغانستان بودند، خود هدف حمله «رحمان»، متهم ۲۳ ساله قرار گرفتند.
متهم در یک کارگاه پوشاک در مجاورت محل سکونت مقتولین کار میکرد، در اعترافات خود اعلام کرده است که به قصد تجاوز، تعقیب زن جوان را آغاز کرده و با زور وارد آپارتمان وی شده است. او پس از مواجهه با مقاومت شدید زن، با استفاده از سلاح سرد (چاقوی آشپزخانه) وی را به قتل رسانده و سپس دختر ۸ ساله او را نیز که شاهد ماجرا بوده ، به قتل رسانده است.
اگرچه متهم در همان لحظات اولیه خروج از ساختمان با لباس‌های خون‌آلود توسط همسایگان متوقف و به نیروی انتظامی تحویل داده شده بود، اما وی به مدت یک ماه و نیم منکر اتهامات خود بود.

یک زن ۳۷ ساله در بندر انزلی از توابع استان گیلان توسط پسر و با همکاری همسر سابق خود به قتل رسید.



براساس گزارشها هر دو متهم پس از ارتکاب جنایت بازداشت شده‌اند. در حالی که منابع رسمی انگیزه این قتل را اختلافات خانوادگی عنوان کرده‌اند، شماری از فعالان محلی، انگیزه قتل را ناموسی دانسته‌اند.
در رخدادی دیگر، در شهرستان ایرانشهر از توابع استان سیستان و بلوچستان، یک مرد با استفاده از سلاح گرم مادر و خواهر خود را به قتل رسانده و سپس اقدام به خودکشی کرده است.





در شهرستان رو مشکان از توابع استان لرستان، فاطمه بازوند، زن ۲۳ ساله ، پس از دو هفته بستری بودن در حالت کُما، بر اثر شدت جراحات ناشی از ضرب و شتم توسط برادرش جان باخت

.



قاتل به بهانه «دیر آماده شدن غذا» خواهر خود را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و با وارد کردن ضربات سنگین به ناحیه سر، موجب مرگ او شده است. مادر این خانواده نیز سال گذشته پس از مواجهه با خشونت های خانگی از سوی همین فرزند خودکشی کرد.



روز ۲۸ آذر ۱۴۰۴، زن ۶۰ ساله در مشهد قربانی یکی از شدیدترین اشکال خشونت خانگی شد و به‌دست همسرش به‌طرزی فجیع به قتل رسید.

این زن سالخورده بر اثر ضربات متعدد تبر به ناحیه سر جان باخت و پیکر او پس از قتل مثله شد؛ رویدادی تکان‌دهنده که بار دیگر خشونت مرگبار علیه زنان در فضای خانواده را به نمایش گذاشت.

قاتل پس از قتل، با استفاده از قیچی اقدام به پارگی شکم همسرش کرده و همچنین تلاش داشته است با ضربات تبر پاهای او را قطع کند. شدت جراحات وارده، از ابعاد بسیار خشن این جنایت حکایت دارد.
پس از ارتکاب قتل، مرد ۷۰ ساله خود را به کلانتری مشهد معرفی کرده و به قتل همسرش اعتراف کرده.
قاتل در اظهارات خود گفته است که مشاجره میان او و همسرش بر سر مسائل مربوط به روابط خصوصی و زناشویی، شب‌هنگام و پس از بازگشت از یک مراسم عروسی آغاز شده است. به گفته او، پس از این مشاجره، آنها جداگانه خوابیده‌اند و بامداد روز بعد، درگیری دوباره از سر گرفته شده و در نهایت به قتل همسرش انجامیده است.





لیلا آذری، زن ۳۹ ساله اهل روستای «آق‌تپه» از توابع شاهین‌دژ، در بوکان به‌دست همسر سابقش به قتل رسید.

بر اساس اطلاعات، این زن در تاریخ ۱۵ آذر ۱۴۰۴ پس از وارد شدن ضربه‌های سنگ به سر، جان خود را از دست داد و پیکرش در روستای کانی الله سیده بوکان پیدا شد. عامل قتل بازداشت شده و به ارتکاب آن اعتراف کرده است.



لیلا دو سال پیش به دلیل ازدواج مجدد همسرش از او جدا شده بود. اما همسر سابق طی این مدت چندین بار با تهدید، فشار و اعمال خشونت تلاش کرده بود او را وادار به بازگشت به زندگی مشترک کند. حتی پس از جدایی او از همسر دوم نیز، لیلا حاضر به بازگشت نشد. روز ۱۵ آذر، پس از مخالفت دوباره لیلا، همسر سابقش با ضربات سنگ او را به قتل رساند.

خشونت‌های ناموسی و خانگی علیه زنان در ایران به‌دلیل نبود ضمانت اجراهای مؤثر و جرم‌انگاری نشدن خشونت خانگی همچنان در سطحی نگران‌کننده ادامه دارد و در مواردی به زن‌کشی منجر می‌شود. فقدان قوانین حمایتی شفاف و کارآمد، نبود بازدارندگی، و وجود مقرراتی که عملاً به تخفیف یا توجیه خشونت می‌انجامند، چرخه‌ی خشونت را بازتولید میکند/دادبان

سوگند مشترکی ۱۴ ساله، به دست شوهرش به قتل رسید.

سوگند روز ۷ آبان‌ماه نوزادش را در ۱۴ سالگی به دنیا آورده بود. این قتل مبتنی بر جنسیت در ارزوئیه (کرمان)، روز ۱۸ آبان‌ماه به وقوع پیوست.سوگند، دختر نوجوانی بود که قربانی کودک‌همسری و خشونت خانگی شد. او توسط شوهر خود بر اثر شدت ضربات و شتم و شش ماه پس از زایمان، پس از چند روز بستری شدن در بیمارستان، به قتل رسید



کودک‌همسری نه تنها بسترهای خشونت علیه دختران را در بستر ازدواج افزایش می‌دهد، بلکه بر اساس آمار، دخترانی که قربانی کودک‌همسری هستند، خشونت و نابرابری‌های بیشتری را در این بستر اجباری متحمل می‌شوند. با تصویب قانون افزایش سن ازدواج دختران به ۱۸ سالگی می‌توان از وقوع چنین خشونت‌هایی در حق کودکان جلوگیری کرد





لیلا گلی، زن ۳۰ ساله و مادر دو فرزند، در شاهین‌دژ توسط همسر سابقش به قتل رسید.

پیکر او روز شنبه ۱۶ آبان، در حالی پیدا شد که داخل یک پلاستیک قرار داشت و بدنش با ضربات متعدد چاقو کاردآجین شده بود.

لیلا گلی بنا بر اطلاعات منابع مطلع، در دوران زندگی مشترک با همسر نخستش خود به طور مستمر تحت خشونت قرار داشت. این خشونت‌ها با جدایی پایان نیافت. پس از ازدواج دوم لیلا، همسر سابقش برای پایان دادن به این ازدواج به او فشار می‌آورد و می‌گفت قصد دارد دوباره با او زندگی کند و شرط ملاقات فرزندان جدایی از همسر دومش است.



لیلا نیز تحت فشار تنها یک ماه با همسر دومش زندگی کرد و سپس جدا شد.

تنها پنج ماه از طلاق دومش گذشته بود که ۱۳ آبان‌ماه تلفن همراه لیلا خاموش میشود و سه روز بعد جسد او توسط چوپانی زیر پل وحدت در حالیکه آثار تلاش برای قتل از طریق فشردن گلوی او و سپس تلاش برای ارتکاب قتل به وسیله‌ی چاقو، هویدا بود.

قتل لیلا نشان میدهد که جدایی لزوماً به معنای پایان خشونت خانگی نیست؛ گاهی تلاش برای کنترل زندگی و انتخاب‌های یک زن، حتی پس از پایان ازدواج، ادامه پیدا می‌کند.

شامگاه هفتم آذر مردی در بندر_عباس همسر ۳۰ ساله خود و یک مرد دیگر را با به کارگیری سلاح گرم به قتل رساند و سپس خود نیز با همان سلاح، خودکشی کرد.

انگیزه قاتل از ارتکاب این جنایت، آنچه «حفظ ناموس» خوانده می‌شود، بوده است؛ با این حال، رسانه‌های حکومتی انگیزه قتل را «اختلافات خانوادگی» عنوان کرده‌اند.



رسانه‌های حکومتی، در راستای سیاست‌های زن‌ستیزانه و با هدف لاپوشانی خشونت ساختاری علیه زنان، انگیزه قاتل را عنوان کرده‌اند. «اختلاف خانوادگی»

جمهوری اسلامی ایران نه تنها در قوانین خود از زنان قربانی قتل‌های منتسب به ناموسی حمایت نمی‌کند، بلکه با نص صریح موادی همچون ماده ۳۰۱ و ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، عملاً بستر ارتکاب این جنایات و تکرار سیستماتیک آن‌ها را فراهم کرده است. این مواد با ایجاد مصونیت قضایی یا مجازات‌های سبک برای مرتکبان، به‌ویژه شوهران و پدران نقش مستقیمی در تسهیل و بازتولید خشونت ساختاری علیه زنان در ایران دارند.





وقوع سه زن کشی در استانهای کرمان، هرمزگان و اصفهان است.

شامگاه شنبه یکم آذرماه، در شهرک نودژ کرمان، مردی به نام حامد سراجی نودژ با استفاده از سلاح گرم، همسرش، فاطمه شیبانی و خواهر همسرش معصومه شیبانی را به قتل رساند و سپس متواری شد.

خبرگزاری رکنا دلیل این اقدام را «اختلافات خانوادگی» عنوان کرده است، دلیلی که همواره رسانه‌های ایران در مورد خبرهای مربوط به زن‌کشی تکرار می‌کنند.

در حادثه‌ای دیگر در روز جمعه ۷ آذرماه یک زن ۲۴ ساله با هویت شبنم احمدی در اصفهان توسط همسرش علی کا ظمی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید.



سازمان حقوق بشری هه‌نگاو به‌نقل از یک منبع آگاه، انگیزه قاتل را «مسائل ناموسی» عنوان کرده است. این زوج حدود دو سال پیش با یکدیگر ازدواج کرده بودند.

شامگاه همین روز در خیابان پردیس ۳ بندرعباس، مردی ۳۳ ساله با نام محسن حقیقی ابتدا همسر ۳۰ ساله خود، فاطمه کارپرداز، و سپس یک مرد ۳۵ ساله را با استفاده از سلاح گرم (کلت کمری) به اعلام «قتل رساند و در نهایت با همان سلاح اقدام به خودکشی کرد.

گزارش‌های تکمیلی هه‌نگاو حاکی از آن است که انگیزه قاتل، پس از مشاهده همسرش با آن مرد در منزل، «حفظ ناموس» اعلام شده است. با این حال، رسانه‌های وابسته به حکومت، انگیزه این جنایت را هم «اختلاف خانوادگی» عنوان کرده‌اند.

وقوع این سه جنایت در فاصله‌ای کوتاه، آمار نگران‌کننده خشونت‌های سازمان‌یافته علیه زنان در ایران را برجسته می‌کند. بر اساس گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در سال ۱۴۰۳، دست‌کم ۱۵۸ مورد قتل زنان ثبت شده است که از این تعداد، ۳۳ مورد به‌عنوان قتل ناموسی گزارش شده و ۱۲۵ مورد دیگر نیز به دلایل نامشخص یا اختلافات خانوادگی عنوان شده‌اند. افزون بر این، در همان سال، ۱۶ هزار و ۵۶۷ مورد خشونت خانگی علیه زنان به ثبت رسیده است.

ایران همچنان فاقد قانون جامع حمایت از زنان در برابر خشونت است؛ لایحه‌ای که بیش از یک دهه میان مجلس، قوه قضائیه و دولت در رفت‌وبرگشت بوده و هیچ‌گاه به شکل کامل اجرایی نشده است. قوانین موجود یا خشونت‌های خانگی، از زنان حمایت کافی نمی‌کنند./ «ناموسی»نیز، از جمله درباره قتل‌های موسوم به رادیو زمانه





نسا راستگو، تازه‌ترین قربانی زن‌کشی

شامگاه پنجشنبه ۲۹آبان۱۴۰۴ زن ۱۸ ساله‌ای به نام «نسا راستگو »با ۱۷ ضربه چاقو به دست همسرش در ارومیه به قتل رسیده است.

کمپین «توقف قتل‌های ناموسی »گزارش داده است که او ۸ ماه قبل به اجبار تن به ازدواج داده و قربانی کودک همسری بوده است.



نسا راستگو اهل روستایی در حوالی «نوشین‌شهر»از توابع ارومیه بود.این زن جوان یکی دیگر از قربانیان قوانین ناکارآمد و نابرابر در ایران و همدستی عرف و فرهنگ مردسالار با آن است. قوانین ایران در مقابل خشونت خانگی هیچ ساز و کار حمایتی از زنان ندارند و به همین سبب سالانه ده‌ها زن و کودک دختر جان خود را به همین سبب از دست می‌دهند.

فاتیما باباخانی «بنیانگذار خانه امن »مهر شمس آفرید که در زمینه حمایت از زنان خشونت دیده در ارومیه فعالیت می‌کند روز شنبه ۱آذر۱۴۰۴ با انتشار تصویری از حضور بر سر خاک نسا راستگو نوشت که خانواده نسا صبح روز جمعه ۳۰آبان از قتل او مطلع شده‌اند اما این جنایت شامگاه پنجشنبه ۲۹آبان رخ داده.

در آبان ۱۴۰۴ دستکم ۷ زن‌کشی و قتل مبتنی بر جنسیت در ایران رخ داده است.

پلیس شهرستان عجب شیر در آذربایجان شرقی از قتل یک کودک همسر ۱۶ ساله به دست شوهرش

فرمانده انتظامی شهرستان عجب شیر گفت:

در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، مبنی بر فوت مشکوک خانمی ۱۶ ساله در بیمارستان عجب‌شیر، ماموران انتظامی شهرستان جهت بررسی وارد عمل شدند.



این شوهر قاتل به دلیل «اختلاف خانوادگی» همسر خود را با ضربات چوب دستی مورد ضرب و جرح قرار داده و پس از بی‌هوش شدن او را جهت مداوا به بیمارستان منتقل کرده، ولی همسرش به علت شدت ضربات وارده، فوت کرده است

از ابتدای سال جاری تاکنون دستکم ۶۳ زن به‌دست اعضای خانواده یا نزدیکان خود کشته شده‌اند؛ قتل‌هایی که ریشه در ساختارهای مردسالارانه، توجیهات ناموسی، فقر اقتصادی، نبود حمایت قانونی و بی‌توجهی نهادهای مسئول دارند.

روزنامه اعتماد در گزارشی در تاریخ ۱۷ آبان نوشت، تنها در چهار تا شش ماه نخست سال ۱۴۰۴، بین ۴۵ تا ۶۲ زن به‌دست مردان خانواده کشته شده‌اند.





زن‌کشی در سایه مردسالاری!

میترا روز گذشته در شهرستان داراب از توابع استان فارس، ، دختر ۲۳ ساله و آرایشگر جوان، توسط همسر سابق و **جمالی** پسرعموی خود با شلیک گلوله به قتل رسید.

قربانی از ۱۵ سالگی وارد حرفه آرایشگری شده بود. اما ازدواج اجباری با پسرعمویش، که مخالف اشتغال او بود.پس از چند سال اختلاف و در نهایت جدایی، میترا سالن زیبایی شخصی خود را افتتاح کرد؛ که خشم همسر سابقش را برانگیخت.



قاتل روز حادثه با ورود به سالن زیبایی، با سلاح گرم به سمت او شلیک کرده و از محل متواری شده است. طبق اعلام منابع محلی، تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه دارد. در نبودن قوانین موثر برای منع خشونت علیه زنان و کوتاهی عامدانه مجلس شورای اسلامی برای تصویب لایحه‌ای که ممکن است کمی وضعیت را تغییر دهد، هر ماه حداقل ۱۰ زن به دست مردان خانواده به قتل رسیدند.

لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» پس از نزدیک به شش سال همچنان دستکاری می‌شود. معاون سابق امور زنان دولت ایران گفته با تغییرات اعمال شده این لایحه «استحاله ماهوی» شده است. مدافعان حقوق زنان می‌گویند در نبود قوانین حمایتی باید منتظر افزایش زن‌کشی بود.

کشته شدن یک دختر نوجوان بلوچ توسط برادرش در رمشک شهرستان قلعه گنج

به گزارش حال وش / شب گذشته، چهارشنبه ۱۴ آبان‌ماه ۱۴۰۴، یک دختر نوجوان بلوچ، در پی شلیک مستقیم برادرش در پی اختلاف خانوادگی بر سر موضوع ازدواج، در منطقه رمشک از توابع شهرستان قلعه‌گنج، کشته شده است.



هویت این دختر بلوچ، « سوسن چهارشنبه‌پور »، حدوداً ۱۸ ساله، فرزند محمد، اهل و ساکن رمشک از توابع شهرستان قلعه گنج، توسط حال وش احراز شده است.

به گفته منابع حال وش: شب گذشته برادر سوسن با شلیک دو گلوله مستقیم به سمت، او، وی را هدف قرار داده و بلافاصله پس از ارتکاب قتل از محل متواری شده است.

منابع در ادامه افزودند: «علت این قتل اختلاف خانوادگی بر سر موضوع ازدواج او بوده که سوسن مصر بوده با پسری که پیش‌تر برای خواستگاری‌اش آمده بود ازدواج کند، اما برادرش با این ازدواج مخالفت کرده و در پی اختلاف، او را به قتل رسانده است.





نادیا متقی، ۳۶ ساله و پزشک عمومی در شیراز، خودکشی کرد.

تصویر دوم: حدود دو هفته پیش نیز یاسمن شیرانی، رزیدنت جوان رشته زنان در دانشگاه علوم پزشکی تهران، به زندگی‌اش پایان داد.



به گزارش روزنامه شرق پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد ۳۴ درصد رزیدنت‌های ایرانی افکار خودکشی را تجربه کرده‌اند.

روزنامه شرق در گفت‌وگو با همکاران یاسمن شیرانی درباره خودکشی رزیدنت‌ها نوشت: «خیلی از موارد خودکشی اصلا در صدر اخبار درز پیدا نمی‌کنند. آن‌ها که به این نقطه می‌رسند دیگر نمی‌خواهند کشیک‌های طاقت‌فرسا و رفتارهای توهین‌آمیز را تحمل کنند».

شرق نوشت یکی از پزشکان از «فوبیای رزیدنتی» در میان دانشجویان سخن گفته است، از ترسی که باعث می‌شود بسیاری از پزشکان مستعد، مسیر مهاجرت را انتخاب کنند.

این پزشک تاکید کرد: «سیستم بیمارستانی ایران بر بیگاری‌کشیدن از رزیدنت‌ها استوار است، نه بر آموزش».معترضان علیه سیاست‌هایی که منجر به «فروپاشی روانی» بین کادر درمان شده، رئیس حراست #دانشگاه_علوم_پزشکی_اهواز با لحنی تمسخرآمیز به آن‌ها گفته است:

همه‌تون برید خودکشی کنید.

یک زن جوان به نام ریحانه_درزاده،۲۳ ساله و اهل روستای شگیم از توابع شهرستان نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان، به‌دست همسرش به قتل رسید.



بر اساس گزارش منابع محلی، انگیزه‌ی قتل مخالفت ریحانه با ازدواج دوم همسرش و ندادن طلاهای شخصی‌اش عنوان شده است.

این حادثه روز شنبه، ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ در منزل مشترک قربانی رخ داد.

قاتل پس از ارتکاب جنایت، با صحنه سازی وانمود کرده بود که همسرش بیهوش شده و سپس خانواده‌ی او را مطلع کرده است.

به گزارش پزشکی قانونی چابهار، علت مرگ خفگی اعلام شده و متهم پس از دستگیری در بازداشت به سر می‌برد.

ریحانه درزاده یکی دیگر از قربانیان خشونت خانگی در ایران است.





مرگ سارینا رستمی، دانش‌آموز سرپل‌ذهابی بر اثر شلیک سلاح شکاری

سارینا رستمی، دانش‌آموز پایه‌ی اول دبیرستان از شهرک زراعی سرپل‌ذهاب، روز دوشنبه بر اثر شلیک با سلاح شکاری جان خود را از دست داد.



به گزارش منابع محلی، سارینا رستمی، فرزند بهمن رستمی و دانش‌آموز پایه‌ی اول دبیرستان، روز دوشنبه پس از بازگشت از مدرسه با سلاح شکاری دچار جراحت شدید شد. وی پس از انتقال به بیمارستان شهدای سرپل ذهاب به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد.

برخی فعالان محلی احتمال داده‌اند که حادثه ممکن است خودکشی نبوده و توسط پدر وی رخ داده باشد. آنان می‌گویند نوع سلاح به کار رفته با امکان خود زنی مطابقت ندارد. اما تاکنون هیچ منبع رسمی این گمانه‌زنی را تأیید نکرده است.

در سه هفته گذشته بیش از ۱۰ زن در شهرهای تهران، مهاباد، نهاوند، کردستان و بلوچستان به دست مردان نزدیک خانواده خود کشته شده‌اند



بنا بر این گزارش همچنین از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا بیست و دوم اردیبهشت، حدود ۱۰ زن به دست مردان نزدیک خانواده خود کشته شده بودند و این آمارهای رسانه‌ای تا همین حالا که تقویم به آخرین روزهای مهر نزدیک شده، دست‌کم تا حدود پنج برابر نسبت به آن بازه زمانی، افزایش یافته است.

آخرین روزهای مهر حدود ۵۰ زن در شهرهای مختلف ایران به دست مردان نزدیک خانواده خود کشته شده‌اند.

در نبود آمارهای رسمی از گذشته تاکنون، همچنان نمی‌توانیم به صورت مطمئن از افزایش همسرکشی‌ها نسبت به سال‌های قبل سخن بگوییم، با این وجود آنچه مشخص است این است که زنان کشته شده اغلب قربانی »چرخه‌های معیوب خشونت و روابط سمی خانوادگی و نیز «خلأهای قانونی »و حمایتی در موقعیت‌های آسیب زا هستند.





مردی در مشهد، دختر ۲۹ ساله خود را به قتل رساند و پیکر او را پس از مثله کردن به آتش کشید.

در تاریخ ۱۵ مهرماه، پرونده گم شدن یک دختر ۲۹ ساله با هویت اختصاری «ف-د»، در کلانتری کاظم‌آباد مشهد تشکیل و به اداره جنایی پلیس آگاهی این شهر ارسال شد. بررسی‌ها نشان داد که وی با خانواده‌اش دچار مشکلات و درگیری‌های خاصی بوده است. پدر دختر گمشده، با توجه به سرنخ هایی از درگیری و مشاجره خانوادگی بین او و دخترش، به پلیس آگاهی احضار شد.



پدر این دختر در این خصوص گفت: «دخترم دو بار ازدواج کرده و از همسرانش جدا شده بود، به همین دلیل وضعیت روحی و روانی مناسبی نداشت. با همه اعضای خانواده و به ویژه برادرانش درگیر می‌شد و به آنها توهین می‌کرد. در این میان من هم از رفتارهای نامتعارف او بی‌نصیب نبودم و دخترم با من نیز به مشاجره لفظی می‌پرداخت و تصمیم به قتل او گرفتم.»

متهم ادامه داد: »ابتدا همه اعضای خانواده‌ام را به بهانه‌ای به بیرون از خانه فرستادم. هنگامی که به خانه بازگشتم، درگیری و مشاجره بین ما شروع شد. ضربه‌ای به صورت دخترم زدم و او با سر به زمین افتاد. خون‌ریزی شدید داشت و بعد هم جان خود را از دست داد. به همین خاطر جسد او را درون کیسه نارنجی رنگ گذاشتم و به کارگاه تراشکاری انتقال دادم...

بر اساس گزارش جامع در سال ۱۴۰۳، دست‌کم ۱۵۸ مورد قتل زنان ثبت شد. از این تعداد، ۱۲۵ مورد قتل زنان به دلایل نامشخص یا اختلافات خانوادگی و ۳۳ مورد به‌عنوان قتل ناموسی گزارش شده است. علاوه بر این، در همان سال ۱۶,۵۶۷ مورد خشونت خانگی علیه زنان به ثبت رسید.







قتل زهرا_قائمی از مدرسین و اعضای گروه آموزشی مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران توسط همسرش

زهرا قائمی از اعضای گروه آموزشی مطالعات زنان و خانواده دانشگاه تهران، توسط همسرش به قتل رسید. انگیزه این قتل تاکنون معلوم نیست.



روز شنبه ۱۹ مهرماه ۱۴۰۴ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۵)، زهرا قائمی، اهل تهران و از مدرسین و اعضای گروه آموزشی مطالعات زنان و خانواده دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران توسط همسر خود به قتل رسید.
علی رغم پیگیریهای همگاو تا زمان تنظیم گزارش، اطلاع دقیقی از دلایل قتل و شیوه قتل وی در دسترس نیست و خبر قتل ایشان در رسانه‌های حکومتی اعلان نشده است.
قتل زهرا قائمی، نمونه‌ای از زن‌کشی در ایران است که بار دیگر توجه به خشونت علیه زنان، حتی در میان تحصیل‌کردگان و فعالان اجتماعی، را نشان می‌دهد.
زن‌کشی در رأس هرم نفرت از زنان (زن‌بیزاری) خشونت و تبعیض ساختاری علیه زنان قرار دارد.
حکومت، با سلب نظام‌مند حقوق بنیادین زنان و تصویب و اجرای قوانین زن‌ستیز، نه‌تنها مستقیماً مسئول قتل زنان است، بلکه زمینه و بستر ارتکاب چنین جنایاتی را تسهیل و تقویت می‌کند.

قتل دلخراش شهلا کریمانی، زن جوان و مادر دو فرزند از اهالی مهاباد

حدود بیست روز پیش به دست همسر و برادر همسرش، به‌بهانه «مسائل ناموسی »رقم زده شد.او را با روسری خفه و پنهانی دفن کردند. این جنایت، نه حادثه‌ای فردی، بلکه ناشی از خشونت ساختاری و سیستماتیک علیه زنان در جامعه‌ای است که قوانین و نهادهایش به ویژه در چارچوب خانواده، ازدواج، طلاق و قصاص...ارتجاعی و ضد انسانی است.این ساختار نابرابر جنسیتی به مردان حق و جسارت می‌دهد با حمایت قانونی، به خشونت و قتل زنان دست بزنند.



زن‌کشی در ایران، پدیده‌ای اتفاقی یا ناشی از «فرهنگ سنتی » نیست؛ بلکه نتیجه مستقیم حاکمیت یک نظام **مردسالار** است نظامی که بدن و زندگی زنان نه متعلق به خود آنان، بلکه ابزاری برای حفظ اقتدار سیاسی و اجتماعی مردان است.
تنها در یک ماه گذشته، دست‌کم **چهارده زن** در نقاط مختلف ایران به دست نزدیکان خود کشته شده‌اند.
مقابله با این زن‌کشی ها، تنها با اصلاحات سطحی ممکن نیست.
ریشه این خشونت در ساختار تبعیض‌آمیز قدرت نهفته است و با **مبارزه جمعی** می‌توان آن را در هم شکست.





شامگاه هفتم آذر مردی در بندر_عباس همسر ۳۰ ساله خود و یک مرد دیگر را با به‌کارگیری سلاح گرم به قتل رساند و سپس خود نیز با همان سلاح، خودکشی کرد.



انگیزه قاتل از ارتکاب این جنایت، آنچه «حفظ ناموس «خوانده می‌شود، بوده است؛ با این حال، رسانه‌های حکومتی انگیزه قتل را »اختلافات خانوادگی «عنوان کرده‌اند.

رسانه‌های وحکومتی، در راستای سیاست‌های زن‌ستیزانه و با هدف لاپوشانی خشونت ساختاری علیه زنان، انگیزه قاتل را »اختلاف خانوادگی «عنوان کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران نه تنها در قوانین خود از زنان قربانی قتل‌های منتسب به «ناموسی »حمایت نمی‌کند، بلکه با نص صریح موادی همچون ماده ۳۰۱ و ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، عملاً بستر ارتکاب این جنایات و تکرار سیستماتیک آن‌ها را فراهم کرده است. این مواد با ایجاد مصونیت قضایی یا مجازات‌های سبک برای مرتکبان، به‌ویژه شوهران و پدران نقش مستقیمی در تسهیل و بازتولید خشونت ساختاری علیه زنان در ایران دارند.

وقوع سه زن‌کشی در استان‌های کرمان، اصفهان و هرمزگان در یک هفته اخیر است.

شامگاه شنبه یکم آذرماه، در شهرک نودژ کرمان، مردی به نام حامد سراجی نودژ با استفاده از سلاح گرم، همسرش، فاطمه شیبانی و خواهر همسرش معصومه شیبانی را به قتل رساند و سپس متواری شد.خبرگزاری رکنا دلیل این اقدام را »اختلافات خانوادگی «عنوان کرده است، دلیلی که همواره رسانه‌های ایران در مورد خبرهای مربوط به زن‌کشی تکرار می‌کنند.



در حادثه‌ای دیگر در روز جمعه ۷ آذرماه یک زن ۲۴ ساله با هویت شبنم احمدی در اصفهان توسط همسرش علی کاظمی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید.

سازمان حقوق بشری هه‌نگاو به‌نقل از یک منبع آگاه، انگیزه قاتل را »مسائل ناموسی «عنوان کرده است. این زوج حدود دو سال پیش با یکدیگر ازدواج کرده بودند. شامگاه همین روز در خیابان پردیس ۳ بندرعباس، مردی ۳۳ ساله با نام محسن حقیقی ابتدا همسر ۳۰ ساله خود، فاطمه کارپرداز، و سپس یک مرد ۳۵ ساله را با استفاده از سلاح گرم (کلت کمری) به قتل رساند و در نهایت با همان سلاح اقدام به خودکشی کرد. گزارش‌های تکمیلی هه‌نگاو حاکی از آن است که انگیزه قاتل، پس از مشاهده همسرش با آن مرد در منزل، »حفظ ناموس «اعلام شده است. با این حال، رسانه‌های وابسته به حکومت، انگیزه این جنایت را هم »اختلاف خانوادگی «عنوان کرده‌اند.





وقوع این سه جنایت در فاصله‌ای کوتاه، آمار نگران‌کننده خشونت‌های سازمان‌یافته علیه زنان در ایران را برجسته می‌کند. بر اساس گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در سال ۱۴۰۳، دست‌کم ۱۵۸ مورد قتل زنان ثبت شده است که از این تعداد، ۳۳ مورد به‌عنوان قتل ناموسی گزارش شده و ۱۲۵ مورد دیگر نیز به دلایل نامشخص یا اختلافات خانوادگی عنوان شده‌اند. افزون بر این، در همان سال، ۱۶ هزار و ۵۶۷ مورد خشونت خانگی علیه زنان به ثبت رسیده است.

ایران همچنان فاقد قانون جامع حمایت از زنان در برابر خشونت است؛ لایحه‌ای که بیش از یک دهه میان مجلس، قوه قضائیه و دولت در رفت‌وبرگشت بوده و هیچ‌گاه به شکل کامل اجرایی نشده است. قوانین موجود نیز، از جمله درباره قتل‌های موسوم به «ناموسی»یا خشونت‌های خانگی، از زنان حمایت کافی نمی‌کنند./ رادیوزمانه

عاطفه نعامی، معترضی که زیر شکنجه ماموران در خانه‌اش جان شیرینش را از دست داد.

سه سال پیش ۳۰ آبان ۱۴۰۱، عاطفه نعامی، در اعتراضات کرج بازداشت شد و براثر شکنجه و تجاوز جان باخت، اما پیکر عاطفه را به آپارتمانش بردند و با گذاشتن شیلنگ گاز در دهانش و صحنه‌سازی، علت مرگ او را خودکشی اعلام کردند.



عاطفه ۳۷ داشت، فارغ‌التحصیل رشته معماری از دانشگاه اهواز، در آپارتمانی در کرج ساکن بود، نامزد کرده بود و پر از امید و آرزو، با شروع خیزش سراسری، امید او برای تغییر بیشتر شد، به خیابان‌ها می‌رفت تا در کنار مردم باشد، شب‌ها از بالکن خانه‌اش شعار زن_زندگی_آزادی، سر می‌داد.

تا اینکه روز ۳۰ آبان در کرج ربوده می‌شود، به شدت شکنجه می‌شود و زیر شکنجه جان می‌سپارد، ماموران امنیتی سناریویی دروغین می‌سازند، پیکر عاطفه را به آپارتمانش می‌آورند، از پتوهای خانه به دورش می‌پیچند، او را در بالکن خانه رها می‌کنند با شلینگ گاز آبگرمکن در دهانش.

عاطفه در پاسخ خواهرش که گفته بود مراقب خودت باش :«خون من از دیگران رنگین تر نیست!»







همانطور که هر روز روایت‌های امیدبخش از پدران، برادران و مردانی به دستمان می‌رسد که کنار زنان زندگی‌شان می‌ایستند و دلمان را روشن می‌کنند...

همزمان اخباری هم قلبمان را میلرزاند؛ خبر زنانی که در همان جامعه، قربانی خشونت خانگی، سکوت اطرافیان و ترس از ناموس، آبرو و سنت می‌شوند.

سمیه یکی از همین زن‌ها بود.

زنی جوان که سال‌ها زیر بار خشونت و بی‌پناهی تاب آورد و چند روز پیش زندگی‌اش زیر سایه همان خشونتی که همیشه از آن می‌ترسید، تمام شد.

واقعیت تلخ اما این است:اگر اطرافیان او، به‌جای فقط تغییر دادن طبقهٔ خانه و تلاش برای پنهان کردن زخم های خشونت،

به‌جای ترسیدن از حرف مردم، از او حمایت واقعی میکردند...

شاید امروز چهار کودک، مجبور نبودند تا آخر عمر ترومای از دست دادن مادر در اثر خشونت خانگی را با خود حمل کنند.سکوت، مادری را به مرز جنون رساند.

سکوت، کودکیِ چهار کودک را از آنها ربود.

اما برای اینکه این درد تکرار نشود.

مسئولیت، حمایت، و ایستادن کنار زنانی که امکان خروج از خشونت را ندارند را پذیرفت.

سمیه رفت...اجازه ندهیم زنان دیگری در تاریکی همین سکوت خاموش شوند.

من نجس نیس‌سرنوشت دختران قربانی تجاوز و تعرض در مرزهای شرقی ایران

من نجس نیستم



تو نجس شدی. ما نمی‌خواهیم یک موجود نجس در خانه‌مان باشد. این جمله را پدر و مادرش به “ مریم” گفتند؛ به دختری که تنها ۱۲سال داشت. سنت‌های سخت‌گیرانه روستا حکم می‌کرد، نه تنها پناهش ندادند، بلکه طردش کردند.

شکوفه حبیب زاده





پلیس شهرستان عجب شیر در آذربایجان شرقی از قتل یک کودک‌همسر ۱۶ ساله به دست شوهرش



فرمانده انتظامی شهرستان عجب شیر گفت:
در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، مبنی بر فوت مشکوک خانمی ۱۶ ساله در بیمارستان عجب‌شیر، ماموران انتظامی شهرستان جهت بررسی وارد عمل شدند.
همسر خود را با «اختلاف خانوادگی»این شوهر قاتل به دلیل ضربات چوب دستی مورد ضرب و جرح قرار داده و پس از بی‌هوش شدن او را جهت مداوا به بیمارستان منتقل کرده، ولی همسرش به علت شدت ضربات وارده، فوت کرده است.
ز ابتدای سال جاری تاکنون دستکم ۶۳ زن به‌دست اعضای خانواده یا نزدیکان خود کشته شده‌اند؛ قتل‌هایی که ریشه در ساختارهای مردسالارانه، توجیهات ناموسی، فقر اقتصادی، نبود حمایت قانونی و بی‌توجهی نهادهای مسئول دارند.
روزنامه اعتماد در گزارشی در تاریخ ۱۷ آبان نوشت، تنها در چهار تا شش ماه نخست سال ۱۴۰۴، بین ۴۵ تا ۶۲ زن به‌دست مردان خانواده کشته شده‌اند.

داستان قتل فجیع دختر اسلام شهری؛



۳۰ مهرماه مبینا زارع یه پیام از نامزد سابقش که بخاطر خشونت ازش جدا شده بود، میگیره که بیا واسه آخرین بار ببینمت چون دارم به ترکیه مهاجرت میکنم
مبینا هم از همه جا بی‌خبر

۱۳ روز بعد پلیس قسمتی از خاکستر استخون‌های مبینا رو کشف می‌کنه ه
در روزهای آغازین آبان‌ماه، مبینا زارع، زن جوانی از اسلامشهر، به دست نامزد سابقش کشته در روز یکشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۴، متهم پس از ارتکاب قتل، از ایران گریخته و پلیس بین‌الملل (اینترپل) در جست‌وجوی اوست. بررسی‌های نشان داد که او تنها سه روز پس از ناپدید شدن، به قتل رسیده و پیکرش مخفیانه در باغ پدری متهم در رباط کریم دفن شده است. در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴، بین ۴۵ تا ۶۲ زن به‌دست مردان خانواده کشته شده‌اند.هنجارهای زن‌ستیز در فرهنگ پدرسالار از یک سو و فقدان قوانین حمایتی از سوی دیگر، راه را برای حفاظت از زنان از اعمال نهایت خشونت یعنی قتل بسته است. لایحه "حفظ کرامت و حمایت از زنان در «پس از نزدیک به شش سال همچنان تغییر یافته و تکمیل نشده است."





تکرار تراژدی الهه حسین‌نژاد در مشهد!

گزارشی از قتل سارا برومند، زن جوان و مادر دو فرزند در مشهد
یک زن جوان با هویت سارا برومند در مشهد به قتل رسید و پیکر او پس از دوازده روز کشف شد. انگیزه قاتل از ارتکاب جرم تاکنون اعلام نشده است.



بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، روز شنبه ۱۶ آبان‌ماه ۱۴۰۵ (۷ نوامبر ۲۰۲۶)، پیکر سارا برومند، ۲۷ ساله و مادر دو کودک ۶ و ۱۲ ساله کشف شد.
وی دوازده روز پیش در تاریخ ۴ آبان‌ماه ۱۴۰۵ حین بازگشت به خانه در شهر گلبهار مشهد ناپدید شده بود.
به نوشته‌ی سایت حکومتی ایسنا، سارا_برومند پس از پیاده شدن از اتوبوس در گلبهار، سوار یک تاکسی زردرنگ شده و ساعت ۲۱ همان شب، با مادرش تماس گرفته و به او گفته بود که در مسیر بازگشت به خانه است.تلفن همراه سارا پس از مدت کوتاهی از دسترس خارج شده و طی همان ساعات اولیه ناپدیدشدن خود به قتل رسیده بود.قابل ذکر است که، قاتل تحت بازداشت قرار گرفته است. انگیزه وی از ارتکاب جرم تاکنون اعلام نشده است.

اسامی زنانی که قربانی قتلهای ناموسی هستند و در این بولتن درج شده برگرفته از «کانال تلگرامی زن و جامعه (زن کارگر) » است.

غنچه نشکفته در بهار ای – رضوان مقدم

چه کسی تورا به مسلخ برد، ای دردانه دختر، غزل

چگونه رام پدر وعمو شدی

که تورا یکبار در ۱۲ سالگی قربانی بلاهت خود کردند

رومینا ، ریحانه، فاطمه

مریم ، نرگس ، بهاره

الهه ،آرزو، گلاله

غزال و ستاره

چه نام های زیبایی غزل

تا چند هزار می خواهی بشمرم

که باور نکنی پیمان "ناموس پرستان" سیاه دل، تاریک اندیش

ندیده بودی که چگونه داس بر گردن رومینا نهاد، پدر ؟

ندیده بودی که حبیب، فاطمه را کنار کارون ذبح کرد؟

و پدر تبر بر گردن ریحانه

منا تو چه ساده دل بودی ؟

ایران سیاه پوش توست

سیاه پوش غنچه های نشکفته در بهار

در اندوه بیکران

کاش باور نکرده بودی

غزل

به غزل های وطنم ایران
رضوان مقدم هشتم فوریه ۲۰۲۲



مصوبه جدید مجلس درباره «حق حبس زن»:

تنها روابط جنسی مصداق حق حبس در برابر مهریه است

در ادامه بررسی طرح اصلاح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی، امروز چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴، نمایندگان مجلس در ایران اقدام به اصلاح بخشی از قانون مدنی در رابطه با «حق حبس زن» کردند.

بنا بر اصلاحیه اعمال‌شده، از این پس تنها روابط جنسی مصداق «حق حبس زن» (موضوع ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی) در برابر مهریه خواهد بود و زنان تنها می‌توانند از ایفای روابط جنسی تا دریافت کامل مهریه خودداری کنند.

در قانون فعلی، بنا بر ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. اما بنا بر مصوبه جدید، این وظایف زن در برابر شوهر تنها به تمکین خاص (روابط زناشویی) تغییر پیدا کرده است.

نتیجه عملی این مصوبه، محدود کردن چشمگیر دامنه «حق حبس زن» و تضعیف یکی از معدود ابزارهای قانونی زنان برای تضمین دریافت مهریه است. با این تغییر، زن دیگر نمی‌تواند از انجام سایر تعهدات زناشویی مانند زندگی مشترک یا همراهی روزمره خودداری کند و حق حبس عملا به امری صرفا جنسی تقلیل داده شده است. این رویکرد، نگاه ابزاری به رابطه زناشویی را تقویت می‌کند و جایگاه حقوقی زن را به بدن او فرو می‌کاهد.

از منظر حقوقی و اجتماعی، این مصوبه قدرت چانه‌زنی زنان را در روابط نابرابر خانوادگی کاهش می‌دهد و آنان را در برابر فشارهای اقتصادی و عاطفی آسیب‌پذیرتر می‌سازد. در شرایطی که بسیاری از زنان برای دریافت مهریه با موانع جدی اجرایی روبه‌رو هستند، محدود کردن حق حبس می‌تواند به افزایش دعاوی، تنش‌های خانوادگی و بی‌اثر شدن یکی از تضمین‌های قانونی موجود منجر شود؛ امری که با اصل حمایت از حقوق مالی و کرامت زنان در تعارض آشکار است./دادبان





گاردین: خشونتی بی‌سابقه زنان باردار و کودکان را در سراسر جهان هدف قرار داده است



روزنامه «گاردین» در تحقیقی فاش کرده است که در بستر منازعات جهانی، زنان باردار و کودکان با خشونتی بی‌سابقه روبه‌رو هستند و مراکز مراقبت‌های بارداری و زایمان به‌طور گسترده تخریب می‌شوند.

زنان باردار در مناطق جنگی سراسر جهان با سطوحی بی‌سابقه از خشونت و رنج مواجه‌اند؛ به‌گونه‌ای که بیمارستان‌های زایمان به هدف حملات مستقیم تبدیل شده‌اند. این وضعیت، شکنندگی زنان و کودکان را تشدید کرده و جان آنان را به خطر انداخته است. گزارش‌ها از فروپاشی سامانه‌های اساسی سلامت حکایت دارند.

در تحقیقی که روزنامه بریتانیایی «گاردین» انجام داده و بر داده‌های گردآوری‌شده توسط سازمان غیردولتی «سیکیوریتی اینسایت» استوار است، از سطحی بی‌سابقه از خشونت علیه زنان باردار و نوزادان تازه‌متولدشده در جریان منازعات شعله‌ور جهان پرده برداشته شده است.

این تحقیق الگوی «خشونت باروری» را بررسی می‌کند؛ پدیده‌ای که به یکی از چهره‌های نوین جنگ‌ها بدل شده و اثرات مستقیم آن بر زنان باردار و کارکنان حوزه پزشکی، و نیز تهدیدش علیه توان دولت‌ها برای حفاظت از جمعیت و تضمین حق زایمان ایمن را آشکار می‌سازد.

بر اساس این داده‌ها، طی سه سال گذشته نزدیک به ۳۰۰ حمله و اخلال علیه مراکز مراقبت‌های زایمان و زنان باردار صورت گرفته است؛ افزون بر دست‌کم ۱۱۹ مورد که شامل حملات مستقیم به بیمارستان‌ها و اتاق‌های زایمان بوده‌اند.

به‌گزارش این تحقیق، شمار زیادی از زنان کشته شده‌اند، برخی از دسترسی به مراقبت‌های درمانی محروم مانده‌اند و گروهی دیگر ناچار شده‌اند در شرایطی ناایمن زایمان کنند. همچنین داده‌ها از کشته شدن دست‌کم ۶۸ ماما و پزشک زنان و زایمان، ربوده شدن ۱۵ نفر و بازداشت ۱۰۱ نفر خبر می‌دهند. به‌احتمال زیاد این ارقام کمتر از واقعیت هستند، چراکه تنها رویدادهایی را دربر می‌گیرند که در رسانه‌های محلی، ملی و بین‌المللی و پایگاه‌های داده الکترونیکی گزارش شده‌اند؛ در حالی که در برخی مناطق درگیری، ارتباطات و دسترسی به اطلاعات بسیار محدود است.

این تحقیق به وضعیت فاجعه‌بار زنان باردار در غزه نیز پرداخته و خاطرنشان می‌کند که حتی پس از آتش‌بس اکتبر گذشته، زنان و کودکان همچنان به‌دلیل وخامت مراقبت‌های بهداشتی ناشی از کمبود دارو و تجهیزات جان می‌بازند. گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه زنان در غزه میان آوارها و کنار جاده‌ها زایمان می‌کنند؛ در حالی که بیمارستان‌ها هدف گلوله‌باران مستقیم و حملات موشکی قرار گرفته‌اند.

در اوکراین، از آغاز سال ۲۰۲۲ تاکنون دست‌کم ۸۰ مرکز مربوط به زایمان و نوزادان تخریب شده است. تحقیق «گاردین» اشاره می‌کند که فشار روانی، به‌طور چشمگیری عوارض حین زایمان را افزایش داده است. در شهر خرسون در جنوب اوکراین، بیمارستان زایمان از آغاز جنگ پنج بار آسیب دیده است. در میانمار نیز مراکز درمانی بمباران شده و ده‌ها ماما و بیمار بازداشت شده‌اند.



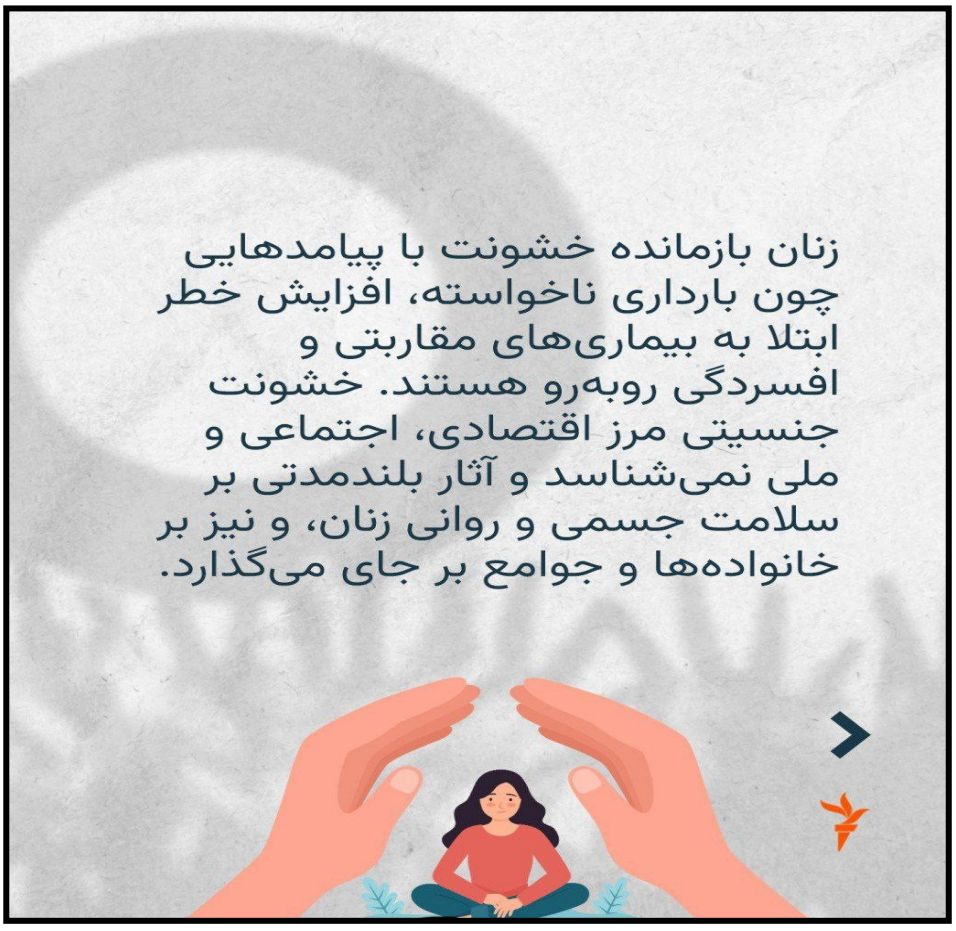
در سودان، به‌ویژه در ۲۸ اکتبر گذشته، سی زن در بیمارستان سعودیِ زایمان در شهر الفاشر پناه گرفته بودند که یکی از هولناک‌ترین رخدادهای جنگ داخلی این کشور رقم خورد؛ جایی که نیروهای «پشتیبانی سریع» به بیمارستان یورش بردند و گزارش‌ها از کشته شدن بیش از ۴۶۰ بیمار و همراهان آنان خبر می‌دهند.

بی‌ضمانتی و عدم پیگرد

در حال حاضر، ۶۷۶ میلیون زن در فاصله‌ای کمتر از ۵۰ کیلومتر از مناطق درگیری مرگبار زندگی می‌کنند؛ بالاترین سطح ثبت‌شده از دهه ۱۹۹۰ تاکنون. این وضعیت در حالی است که هیچ تضمین و پیگرد قضایی مؤثری برای جنایات جنگی علیه خدمات مراقبت‌های بارداری وجود ندارد.

پایال شاه، وکیل حقوق بشر در سازمان غیردولتی «پزشکان برای حقوق بشر»، اعلام کرده است که نبود پاسخ‌گویی، «فرهنگ مصونیت از مجازات» ایجاد کرده و حملات مرتبط با سلامت باروری بخشی از اعمال نسل‌کشی به‌شمار می‌آیند؛ زیرا با جلوگیری از تولد یا تخریب امکان بقای یک گروه، موجودیت آن را هدف می‌گیرند.

کارشناسان پزشکی می‌گویند بیشتر مرگ‌ومیرهای مادران با رعایت رویه‌های معمول قابل پیشگیری است، اما در زمان جنگ، نظام‌های سلامت فرو می‌پاشند و شرایطی که زایمان ایمن را ممکن می‌سازد، از میان می‌رود.





تصویری تکان دهنده قبل از اعدام یک مادر و فرزندش توسط نیروی RSFدر سودان



با پیشروی تازه نیروهای پشتیبانی سریع(RSFمدافعان اسلام) و سقوط شهر الفاشر، مقام‌های عالی سازمان ملل نسبت به «کشتارهای گسترده» و فاجعه‌ای انسانی در حال گسترش در دارفور هشدار دادند.

مارتا آما آکیا پوبی، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور آفریقا، در نشست اضطراری شورای امنیت گفت گزارش‌های موثق از اعدام‌های میدانی، قتل‌های دسته‌جمعی و جست‌وجوی خانه به خانه علیه غیرنظامیان در دست است. او تأکید کرد: «هیچ‌کس در الفاشر در امان نیست. هیچ مسیر امنی برای فرار مردم وجود ندارد.»

تام فلچر، مسئول هماهنگ‌کننده امور انسانی سازمان ملل، نیز وضعیت را «هولناک و فراتر از تصور» توصیف کرد و گفت: «ما صدای فریادها را نمی‌شنویم، اما جنایت‌ها همین حالا ادامه دارد؛ زنان و دختران مورد تجاوز قرار می‌گیرند و مردم با بی‌رحمی تمام کشته و مثله می‌شوند.»

شاهدان از وحشت و مرگ در خیابان‌ها می‌گویند. فاطمه عبدالرحمن که به طویله پناه برده، به الجزیره گفت: «گلوله‌باران بی‌امان بود. دخترم کشته شد، دختر دیگرم چشمش را از دست داد.

نسل‌کشی خاموش در الفاشر: تجاوز جنسی به‌عنوان سلاح جنگی!

شهر الفاشر، پایتخت ایالت دارفور شمالی، امروز به نماد یکی از تاریک‌ترین فصل‌های معاصر سودان بدل شده است. پس از ۱۸ ماه محاصره، بمباران بی‌وقفه و گرسنگی سازمان‌یافته، تسلط نیروهای «پشتیبانی سریع (RSF) «بر این شهر در ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵، موجی از خشونت بی‌سابقه علیه غیرنظامیان به‌ویژه زنان را رقم زده است.

گزارش‌های سازمان ملل، صلیب سرخ و نهادهای امدادی بین‌المللی از **اعدام‌های میدانی، کوچ اجباری، غارت بیمارستان‌ها و تجاوزهای گروهی گسترده** حکایت دارند. شاهدان عینی روایت کرده‌اند که زنان و دختران، در پناهگاه‌ها، بیمارستان‌ها و حتی خانه‌های خود هدف تجاوز گروهی قرار گرفته‌اند —

تجاوزهایی که نه تصادفی بلکه **نظام‌مند و هدفمند** هستند؛ همان الگویی که در نسل‌کشی رواندا در دهۀ ۹۰ میلادی مشاهده شد.

سازمان ملل متحد تأیید کرده است که دست‌کم ۲۵ زن در یکی از پناهگاه‌های آوارگان نزدیک دانشگاه الفاشر، با تهدید سلاح مورد تجاوز گروهی قرار گرفته‌اند. ده‌ها خانواده در پی این حملات مجبور به ترک شهر شدند. همزمان، گزارش‌هایی از قتل بیماران در بیمارستان‌های محلی و حمله به کارکنان امدادی منتشر شده است.

خشونت جنسی در دارفور به مرحله‌ای رسیده که می‌توان آن را **سلاح جنگ** نامید. تجاوز دیگر پیامد تصادفی نبرد نیست، بلکه ابزاری برای تحقیر، شکستن مقاومت اجتماعی و پاکسازی قومی است.



گروه‌های قومی خاص، از جمله «ماسالیت»، به‌طور هدفمند مورد حمله قرار گرفته‌اند — رفتاری که می‌تواند در چهارچوب حقوق بین‌الملل، **جنایت علیه بشریت** و در برخی موارد **نشانه‌های نسل‌کشی** تلقی شود.

در این شرایط، زنان و دختران نه‌تنها قربانی مستقیم خشونت‌اند، بلکه بار سنگین تبعات آن — از بارداری‌های اجباری تا طرد اجتماعی — را نیز به دوش می‌کشند. همان‌گونه که در رواندا، تجاوز به زنان به ابزار نابودی روح جمعی یک ملت بدل شد، در دارفور نیز بدن زنان به میدان جنگی تبدیل شده که در آن قدرت، انتقام و ایدئولوژی در هم آمیخته‌اند.

با وجود مستندات نگران‌کننده، جهان هنوز واکنش مؤثری نشان نداده است. دسترسی نهادهای بین‌المللی به الفاشر محدود است، ارتباطات قطع شده و قربانیان در سکوت و انزوا رها شده‌اند. اما سکوت، خود شکلی از همدستی است. اگر جامعه جهانی امروز صدای زنان دارفور را نشنود، فردا باید در برابر تاریخی پاسخ دهد که دوباره تکرار می‌شود — تاریخی که از رواندا تا البوسنه هشدار داده بود :**وقتی تجاوز به ابزار جنگ بدل شود، انسانیت سقوط می‌کند.**

مصطفی_آل_احمد

«متجاوزین مقدس»

ما در جامعه و مناسبات نابرابری زندگی می‌کنیم که از نخبگان، افرادی مقدس می‌سازد. از سلبریتی، استاد، سیاست‌مدار، ورزشکار، هنرمند و شاعر، هویتی مقدس می‌سازیم، غافل از این که هر آن چه مقدس شود، قدرتی ماورایی پیدا می‌کند و این قدرت، راه را برای سلطه‌گری می‌گشاید. "پی‌یر بوردیو" به درستی می‌گفت که شهرت می‌تواند ابزار سلطه شود، ماکس وبر مقدس‌سازی را ذیل مفهوم "کاریزما" (charismaکه با تبلیغات ساخته و پرداخته می‌شود به عنوان منبع قدرت شناسایی می‌کند. تجاوز از همین قدرت و سلطه‌ای که به دنبال تقدس‌گرایی به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد. می‌توان تجاوز را آخرین چهره‌ی سلطه و قدرت دانست، جایی که دیگر سلطه نیازی به نقاب نمی‌بینند.

در جامعه‌ای که فرهنگِ مقدس‌سازی و قهرمان‌پرستی وجود دارد، تجاوز نه تنها خطای فردی، بلکه برآیند تقدس‌گرایی است، زیرا مشکل تنها فرد «متجاوز»نیست، بلکه از یک سو تفکر تقدس‌گرایی به متجاوز قدرت می‌دهد و از سوی دیگر سکوتی که از متجاوز محافظت می‌کند
نجا که هرگز نه «شنیده نمی‌شود،» تجاوز آغاز می‌شود. سلطه‌پذیری به واسطه‌ی فرمان‌برداری رشد می‌کند. در جهان تقدس‌گرا که نقد ممنوع می‌شود، افراد مشهور، هاله‌ای مقدس و امن پیدا می‌کنند تا سلطه‌ی خود را گسترش دهند.

تجاوز، تنها در اتاق‌های بسته نیست؛
جایی که مردسالاری به حکم قانون بی‌پروا می‌تازد و نابرابری و تبعیض جنسیتی در تار و پود جامعه ریشه دوانده، تجاوز در همه‌ی ابعاد جامعه رشد می‌کند. در رانندگی، در کلاس درس، در اداره، در بیمارستان و .....سلطه ادامه دارد. در مقابل این سلطه گری و نابرابری باید متشکل شد و سازمان یافت .



زن‌کشی، جنایتی که قانون مجاز می‌داند و در هر ۱۰ دقیقه، یک زن در جهان توسط خانواده‌اش کشته می‌شود.



زن‌کشی در ایران پدیده‌ای تکاندهنده است که ریشه در ساختارهای عمیق تبعیض و نابرابری جنسیتی دارد. قوانین موجود نه تنها از زنان به طور مؤثر حمایت نمی‌کنند، بلکه با تخفیف مجازات قاتلان یا نادیده گرفتن خشونت خانگی، زمینه تکرار این جنایت‌ها را فراهم می‌سازند. این خشونت‌ها نتیجه‌ی ساختاری هستند که بر سلطه، سکوت و نابرابری جنسیتی بنا شده است.

بر اساس آمارهای منتشرشده توسط نهادهای مستقل، در سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۲۰۳ زن در ایران به دست مردان خانواده یا نزدیکانشان کشته شده‌اند؛ یعنی تقریباً هر دو روز، یک زن قربانی می‌شود. و بیش از ۷۴ هزار زن برای معاینات ناشی از همسر آزاری به پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند. با این حال، بسیاری از موارد اصلاً ثبت نمی‌شوند و در قالب «حادثه» یا «خودکشی» پنهان می‌مانند.

در چنین شرایطی، هیچ زنی واقعاً در امان نیست، مگر آن‌که ساختارهای اقتصادی- اجتماعی به‌صورت بنیادین بازنگری شوند تا زنکشی متوقف شود.

طبق آمار منتشر شده سازمان بهداشت جهانی تخمین زده شده که ۸۴۰ میلیون زن در سراسر جهان، یعنی تقریبا یک سوم جمعیت زنان، در طول زندگی خود خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند که این شامل کسانی که این زنان با آنها در رابطه عاطفی بوده‌اند هم می‌شود.

گزارش‌های منتشرشده از سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۶ نشان می‌دهند که همچنان بخش بزرگی از قتل‌ها و تهدیدها زیر عنوان جعلیِ «حفظ شرف خانواده» توجیه می‌شوند؛ سازوکاری که خشونت را مشروعیت می‌بخشد و امکان تکرار آن را فراهم می‌کند.

طی گزارشاتی که با فعالان و پژوهشگران زن از آرژانتین، شیلی، فلسطین، اوکراین، ایران و چهار فعال زن از ترکیه انجام گرفته؛ زنانی که بیشترشان از سازمان‌دهندگان اعتراضات و راهپیمایی‌ها علیه خشونت در کشورشان هستند و از وضعیت زنانی می‌گویند که انواع خشونت را روزانه تجربه می‌کنند؛ از زنان فلسطینی که همزمان بازماندگان اشغال و تبعیض داخلی‌اند، تا فعالان ترکیه که سال‌هاست خیابان‌های این کشور را به عرصه کنشگری دربرابر خشونت علیه زنان تبدیل کرده‌اند. از (فمینیست‌های لاتین که با فریاد نه یک زن کمتر) علیه قتل زن‌ها می‌ایستند، تا زنان اوکراینی که بیش از سه سال) «Ni UnaMenos» است بدن‌شان ابزاری برای نظامی‌گری‌هاست.

درحالی که همین چندروز پیش سازمان جهانی بهداشت در گزارشی اعلام کرد، یک نفر از هر سه زن در جهان، مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرند و بخش زنان سازمان ملل هشدار داده که کاهش



کمک‌های مالی دولت‌ها موجب‌شده که بسیاری از برنامه‌های مقابله با خشونت علیه زنان در جهان تعطیل شوند، روز ۲۵ نوامبر و ۱۶ روز نارنجی، موعدی برای این فعالان زن است تا یادآوری کنند که واقعیت مشترک زنان، ترکیبی از خشونت ساختاری، سیاسی و جنسیتی است؛ خشونتی‌که در جوامع مختلف ریشه در پدرسالاری، تبعیض قانونی و در بسیاری مناطق، با سرکوب دولتی و نظامی‌گری درهم‌تنیدگی دارد و مبارزه علیه آن ضروری است.

به گزارش بخش زنان سازمان ملل، ۱۶ تا ۵۸ درصد زنان و دختران با خشونت دیجیتال مواجه‌اند و ۹۰ تا ۹۵ درصد ویدئوهای دیپ‌فیک تصاویر جنسی از زنان هستند.»

الهه محمدی



گفت‌وگو با فعالان زن در ایران، اوکراین، فلسطین، ترکیه، شیلی و آرژانتین به‌مناسبت ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

عقب‌نشینی نمی‌کنیم

سازمان ملل: کاهش کمک‌های مالی دولت‌ها موجب شده که بسیاری از برنامه‌های مقابله با خشونت علیه زنان در جهان تعطیل شوند

الهه محمدی | خبرنگار گروه جامعه





تجاوز به مثابه سلاح جنگی تحقیر زنان!
جنگ اسراییل علیه زنان و دختران



تجاوزات تکان دهنده جنسی توسط سربازان اسرائیل در غزه وسکوت رسانه های غربی

روایت تکان‌دهنده و وحشتناک از بیمارستان‌های غزه؛ نظامیان صهیونیست زنان را مورد تجاوز قرار می‌دهند و رسانه‌های غربی ساکتند!

دکتر علیا خان، عضو اتحادیه سازمان‌های امداد و مراقبت‌های پزشکی: اتفاقاتی که در غزه روی می‌دهد باورکردنی نیست، رهبران سیاسی کجا هستند؟ جامعه جهانی کجاست؟!

"زنان مورد تجاوز قرار می‌گیرند، کودکان بمباران می‌شوند و زنان باردار توسط بولدوزر دریده می‌شوند".

بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد و نهادهای حقوق بشری، حدود **۷۰ درصد** از قربانیان تأییدشده جنگ غزه را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند .

دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش‌های خود اعلام کرد که تا آبان ۱۴۰۳ (نوامبر ۲۰۲۴)، از میان هزاران قربانی تأییدشده با هویت مشخص، حدود **۴۴ درصد کودک** و **۲۶ درصد زن** بوده‌اند (بیشترین کودکان کشته‌شده در گروه سنی ۵ تا ۹ سال قرار داشتند). همچنین در گزارش‌های سال ۲۰۲۶، سازمان ملل شمار زنان و دختران جان‌باخته را بیش از **۳۸ هزار نفر** اعلام کرده است .روزانه ۶۳ زن قربانی جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه می‌شدند.

زنان غزه در معرض تهدیدات به تجاوز جنسی قرار دارند. همچنین گزارش‌های وحشتناکی را درباره برهنه کردن زنان فلسطینی و عکس گرفتن از آنها به ویژه حین بازجویی دریافت شده. سربازان اسرائیلی تصاویر این زنان را بین خود و در اینترنت پخش کرده‌اند و این نقض قوانین جنگ است.

در فلسطین هم مانند بسیاری از کشورها، باز هم ناموس خانواده و آبروی خانوادگی به زنان اجازه نمي‌دهد راز خشونت علیه خود را افشا کنند. شرایط ویژه جنگی این کشور نشان مي‌دهد که افزایش خشونت‌های خانگی با افزایش اغتشاشات رابطه مستقیم دارد .

معمولاً زنان و دختران فلسطینی که در مورد خشونت‌های خانگی سخن مي‌گویند نه تنها از سوی خانواده‌های خود، بلکه از سوی افراد محله و جامعه هم تحت فشار قرار مي‌گیرند و متهم به آبروریزی مي‌شوند.همچنین دستگاه قضایی فلسطین قتل‌ها و جرم‌های ناموسی را جدی نمي‌گیرند و محکومیت‌ها تنها محدود به چند سال زندان مي‌شوند .

زنان بیشترین هزینه را در جنگ ها و درگیری ها پرداخت می کنند، خاطرنشان کرد: این اتفاق در خاورمیانه، هائیتی، سودان، میانمار، منطقه ساحل، اوکراین، افغانستان و سایر نقاط جهان رخ می دهد.



گزارشی تازه از سازمان جهانی بهداشت



گزارشی تازه از سازمان جهانی بهداشت و همچنان یکی از پایدارترین بحرانهای حقوق بشری جهان است و طی بیست سال گذشته پیشرفت بسیار ناچیزی در مقابله با آن حاصل شده انهادهای سازمان ملل نشان میدهد خشونت علیه زنان ست.
دوازده و نیم میلیون دختر نوجوان در سال گذشته خشونت جسمی و/یا جنسی از سوی شریک صمیمی خود را تجربه کردهاند

گزارش تأکید میکند که خشونت علیه زنان از سنین پایین آغاز میشود و این خطر در سراسر عمر ادامه دارد. تنها در سال گذشته ۳۱۶ میلیون زن بالای ۱۵ سال دستخوش نوعی خشونت شدهاند.
زنان بازمانده خشونت با پیامدهایی چون بارداری ناخواسته، افزایش خطر ابتلا به بیماریهای مقاربتی و افسردگی روبهرو هستند. خشونت جنسیتی مرز اقتصادی، اجتماعی و ملی نمیشناسد و آثار بلندمدتی بر سلامت جسمی و روانی زنان، و نیز بر خانوادهها و جوامع بر جای میگذارد.

بر اساس گزارش رسمی سازمان ملل متحد UN Women (UNODCکه اواخر سال ۲۰۲۵ منتشر شده است، سالانه حدود ۵۰,۰۰۰ زن و دختر در سراسر جهان به دست همسر، شریک عاطفی یا اعضای خانواده خود به قتل میرسند.

این آمار تکاندهنده نشان میدهد که **خانه همچنان ناامنترین مکان برای زنان است** و الگوهای این بحران جهانی به شرح زیر است :

میانگین روزانه :روزانه حدود **۱۳۷ زن و دختر** در دنیا توسط افراد محرم یا اعضای مذکر خانواده کشته میشوند (یعنی **هر ۱۰ دقیقه یسهم از کل قتلها :**این مرگهای خانگی، **۶۰ درصد** از کل قتلهای عمدی زنان و دختران در جهان را تشکیل میدهد. در حالی که برای مردان، تنها ۱۱ درصد از قتلها در خانواده اتفاق میافتد.

وضعیت تفکیک آماری در قارههای مختلف (سالانه:)

آفریقا :بالاترین آمار و بالاترین نرخ ریسک با حدود **۲۲,۶۰۰ قربانی**.
آسیا :دومین آمار بالا از نظر تعداد مطلق با حدود **۱۷,۴۰۰ قربانی**.
قاره آمریکا :حدود **۷,۷۰۰ قربانی**.
اروپا :حدود **۲,۱۰۰ قربانی**.
اقیانوسیه :حدود **۳۰۰ قربانی** .



بردگی کاری زنان و خشونت



میلیون ها زن محروم بخصوص در کشورهای جهان سوم در خدمت سرمایه گذاری و سودهی کشورهای بزرگ امپریالیستی به کار گمارده شده اند، سرمایه داری با استثمار این زنان کارگر در عرصه تولید با حقوقی بسیار نازل به انباشت سرمایه و سود آوری بالایی دست یافته است.

در جهان سوم از نیروی کار دختربچه ها در چیدن بسیاری از محصولات کشاورزی، قالیبافی و کار شاق کوره پزخانه ها استفاده میشود و در برابر این کار، مزد ناچیزی به سرپرست خانواده پرداخت میشود و یا حاصل کار آنها را در چارچوب کار خانواده ارزیابی می کنند. این سطح از استثمار آشکارا خشونتی است که به زنان و دختران نوجوان در عرصه اقتصادی وارد می شود و انباشت عظیم سود سرمایه را برای شرکت های مختلف امپریالیستی ایجاد می کند. سرمایه جهانی زنان را در کشورهای جهان سوم در تولیدات کشاورزی به خدمت گرفته و از کار طاقت فرسای آنان مافوق سود استخراج می کنند، اما این زنان به عنوان زنان کارگر به رسمیت شناخته نمیشوند، بلکه این کار بردگی زنان جزء وظائف کارهای خانگی آنها محسوب میشود. بورژوازی جهانی این بردگی پنهان و بربریت را آگاهانه برای استثمار بیشتر این نیروی کار ارزان از اذهان دور میدارد.

سرمایه داری جهانی با انتقال سرمایه به کشورهای مختلف جهان بویژه کشورهای جهان سوم که علتش هم دستیابی به نیروی کار ارزان می باشد و استثمار شدید از قِبل این نیروی کار به انباشت سرمایه بیشتر و سودهای کلان و نجومی تا کنون دست یافته است. در این استثمار وحشیانه از نیروی کار زنان حداکثر استفاده میشود. کار طاقت فرسا و ساعات کار به قدری طولانی است که بسیاری از کارگران از شدت فشار کار و کمی استراحت و حقوق ناچیز گاها دست به خودکشی می زنند. چهار میلیون کارگر بنگلادشی در بیقوله هایی به اسم صنایع نساجی که برای شرکت های بزرگ تجاری کشورهای امپریالیستی تولید می کنند به کار مشغول اند که از این تعداد هشتاد درصد آن را زنان تشکیل می دهند. این کارگران شش روز در هفته با ساعات کار طولانی، حقوقی معادل با یک دلار در روز دریافت می کنند. بنگلادش دومین صادر کننده تولید نساجی در جهان است. فروشگاه های پر فروش مثل پرایمارک در انگلستان؛ بنه تون در ایتالیا؛ وال مارت در آمریکا؛ کار فور در فرانسه؛ لاب بو در کانادا؛ من گو در اسپانیا و ... با استثمار زنان در بنگلادش و سایر کشورهای جهان سوم انباشت سرمایه می کنند. در جنوب آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بیش از ۷۰ درصد از نیروی کار، زنان هستند. دو سوم تولیدات در سطح جهان به علت نیروی کار ارزان بوسیله زنان انجام می گیرد. در صورتی که زنان فقط از یک درصد از این ثروت برخوردارند.

باید اضافه نمود، زن کارگر در محیط کارخانه و واحد تولیدی صرفاً به خاطر زن بودنش به اشکال مختلف مورد تحقیر و آزار و اذیت جنسی و خشونت قرار می گیرد.



۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان گرامی باد!

خشونت علیه زنان که از حدود ۶۰۰۰ سال پیش به زنان تحمیل شده و تاکنون ادامه دارد بخش جدایی ناپذیر تمام جوامع طبقاتی بوده و علی رغم اشکال و سطوح متفاوت در جوامع مختلف هدفی جز حفظ فرودستی زنان نداشته و ندارد در واقع پشت هر خشونت از قتل ناموسی گرفته تا پوشش اجباری نداشتن حق کنترل بر بدن کار یکنواخت و رایگان خانگی نداشتن آزادی تردد و حق سفر نداشتن حق سرپرستی فرزند نداشتن حق طلاق کودک همسری تجارت سکس و .... نه یک یا چند فرد بلکه شبکه پیچیده ای از قوانین فرهنگ و سیستم سرکوب قرار دارد. با اینکه می دانیم بدون از بین رفتن زمینه تاریخی طبقاتی این فرودستی خشونت سیستماتیک علیه زنان از بین نخواهد رفت اما تلاش و مبارزه زنان و مردان میتواند تا حد زیادی به کاهش این خشونتها کمک کرده و گام به گام آن را به عقب براند.

وضع قوانین حمایتی و لغو قوانین تبعیض آمیز و زن ستیز ایجاد خانه های امن ارائه کمک ها و مشاوره رایگان حقوقی، پزشکی و روانشناسی برای زنان آسیب دیده و در معرض خشونت از جمله مواردی است که می تواند به بهبود موقعیت زنان و کاهش خشونت کمک کند افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق خویش و تلاش برای بدست آوردن آن به تنهایی کافی نیست و آگاهی و حمایت و همراهی مردان از ضروریات موفقیت چنین تلاش و مبارزه ای هست که خوشبختانه در سالهای اخیر شاهد افزایش آن می باشیم.

اگر چه هدف خشونت حفظ فرودستی زنان به طور کلی است اما واقعیت این است که زنان محروم و فقیر بیشتر از دیگر زنان در معرض خشونت قرار دارند بی تردید فقر مهمترین عامل روی آوردن زنان به تن فروشی است. تحقیقات جهانی نشان می دهد که نزدیک به ۹۰ زنان تن فروش مایل به ادامه این کار نیستند و نزدیک به ۷۰٪ آن ها از بیماری اضطراب رنج میبرند. این زنان به شدت در معرض انواع خشونت قرار دارند و به راحتی قادر به تغییر موقعیت خود نیستند .

زنان کارگر که بخش بزرگی از طبقه کارگر را تشکیل میدهند نسبت به کارگران مرد بیشتر در معرض اخراج و از دست دادن د کار هستند و به همین دلیل ناچارند خشونت و آزار در محیط کار را تحمل کنند. در این میان زنان کارگری که در بخش غیر رسمی مشغول به کار هستند علاوه بر نداشتن امنیت شغلی در معرض انواع سوء استفاده و آزار جنسی قرار دارند. آنچه بیش از همه میتواند به کاهش خشونت علیه زنان در محیط های کاری کمک کند، نظارت مستقیمی است که می بایست از طریق تشکلهای مستقل کارگری و یا شوراهای کارگری اعمال شود. ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است. این مبارزه بدون توجه به عوامل بازتولید خشونت و زمینه های مادی و واقعی آن راه به جایی نخواهد برد زنان و مردان آگاه و متشکل میتوانند همراه با هم گام هایی موثر در مسیر رفع جمعی از فعالان زنان این خشونت بردارند.

ارسال :"جمعی از فعالان زنان" ایران



خشونت خانگی در فرانسه؛ ۱۱۱ زن در سال ۲۰۲۵ به دست شریک زندگی فعلی یا سابق خود کشته شدند



طبق گزارش وزارت کشور ۱۳۶ مورد مرگ زنان، در اثر تراژدی‌های خانوادگی اتفاق افتاده است.

بر اساس آمار پلیس و ژاندارمری فرانسه، در سال ۲۰۲۵ میلادی، ۱۳۶ نفر در خشونت‌های مرگبار میان زوج‌ها جان باختند؛ آماری که نسبت به ۱۳۸ مورد مرگ در سال ۲۰۲۴ میلادی، یک درصد کاهش داشته است. با این حال، به‌طور متوسط، هر سه روز یک نفر در فرانسه در این نوع خشونت جان خود را از دست می‌دهد.

اگر توزیع قربانیان بر اساس جنسیت را بررسی کنیم زنان همچنان قربانیان اصلی این نوع خشونت‌ها هستند. در سال ۲۰۲۵ میلادی، ۱۱۱ زن به دست همسر یا شریک عاطفی سابق خود کشته شدند؛ در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۴ میلادی ، ۱۰۷ نفر بود و چهار درصد افزایش یافت. زنان ۸۲ درصد کل قربانیان را تشکیل می‌دهند. در مقابل، شمار مردان کشته‌شده طی یک سال ۱۹ درصد کاهش یافته و از ۳۱ نفر در سال ۲۰۲۴ میلادی به ۲۵ نفر در سال ۲۰۲۵ رسیده‌است. مردان ۱۸ درصد قربانیان را شامل می‌شوند.

جدایی‌ها و مشاجره‌ها، اغلب ریشه این تراژدی‌ها هستند

عاملان خشونت‌های مرگبار در زندگی مشترک همچنان عمدتا مردان هستند و ۸۲ درصد افراد تحت پیگرد را تشکیل می‌دهند. از جمله مهمترین عوامل محرک می‌توان به مشاجره‌ها اشاره کرد که در ۳۶ پرونده عامل اصلی بوده‌اند. پس از آن، طلاق یا جدایی‌هایی که یکی از طرفین آن را نپذیرفته است، با ۳۰ مورد، از مهمترین عوامل زمینه‌ساز این حوادث بوده‌اند. همین دو وضعیت به تنهایی نزدیک به نیمی از موارد بررسی‌شده را در بر می‌گیرد.

این خشونت‌ها در بیشتر موارد یعنی در ۷۶ درصد پرونده‌ها در منزل زوج یا در خانه قربانی رخ داده است.

سلاح سرد در ۵۸ درصد موارد بیشترین استفاده را داشته و پس از آن سلاح گرم با ۳۴ درصد قرار دارد.

پیامدهای این خشونت‌ها کودکان را نیز در بر می‌گیرد. در سال ۲۰۲۵ میلادی، ۱۰۶ کودک و نوجوان بر اثر این تراژدی‌ها پدر، مادر یا هر دو والد خود را از دست داده و یتیم شده‌اند. همچنین ۹ مورد فرزندکشی در بستر مناقشه‌های زناشویی رخ داده است.

واکنش انجمن‌های مدافع حقوق زنان

آن-سیسل میل‌فر، رئیس بنیاد زنان در واکنش به این آمار به خبرگزاری فرانسه گفت: «وضعیت کاملاً فاجعه‌بار است. مبارزه با خشونت دیگر یک اولویت ملی نیست.»

او در ادامه یادآور شد که «افزایش آمار امسال ما را شگفت‌زده نکرد، زیرا کاهش بودجه یا تعلل در پرداخت یارانه‌ها مستقیماً انجمن‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌است، انجمن‌هایی که به ناچار به تعطیل رفته‌اند یا فعالیت‌های شان را کاهش داده‌اند و دیگر توان حمایت از زنان قربانی را ندارند.»

انجمن ((FPCEنیز معتقد است که اقدام دولت «به شدت ناکافی»است. یکی از اعضای این گروه به خبرگزاری فرانسه گفت که «مردان هنوز به اندازهٔ کافی مجازات نمی‌شوند و همین موضوع باعث می‌شود که آنان بتوانند به خشونت ادامه دهند».



مئیل نوار، از جنبش **همهٔ ما**، نیز به این باور است که »کاهش بودجه‌ها جنایت است. حکومت نه تنها در این قتل‌ها همدستی دارد که در واقع مسؤول اصلی آن‌هاست.«

بر اساس گزارش‌ها، انجمن‌های فمنیستی چندین بار از رئیس جمهور امانوئل مکرون خواسته‌اند تا مطابق وعدهٔ کارزارهای انتخاباتی‌اش، مبارزه با خشونت علیه زنان را «مسألهٔ بزرگ ملی»اعلام کند و بودجه و امکانات لازم را به آن اختصاص دهد اما چند نهاد رسمی، از جمله دیوان محاسبات، سنا و مجلس ملی در گزارش‌های خود یادآور شده‌اند که این مسأله »از نظر مالی به درستی پشتیبانی نمی‌شود «و منابع آن» ناچیز است. .

رئیس جمهور فرانسه اما بارها عملکرد خود را در این راستا را «بی‌عیب و نقص »خوانده‌است.«

خشونت خانگی در کانادا

عاملان قتل :در ۹۰ درصد موارد (۱۱۶ مورد)، متهم اصلی مرد بوده است.

رابطه با مقتول :۳۴ درصد از موارد توسط شریک عاطفی یا همسر (صمیمی) و ۱۲ درصد توسط اعضای خانواده رخ داده است. (بر اساس گزارش دیده‌بان زن‌کشی در کانادا(Femicide in Canada) ، در سال ۲۰۲۵ میلادی، **۱۴۷ زن و دختر** در کانادا به دلیل خشونت‌های مرگبار زن‌کشی) جان خود را از دست داده‌اند

سن قربانیان :سن قربانیان بین ۵ تا ۸۴ سال (با میانگین ۴۵ سال) بوده است.

محل وقوع :۷۲ درصد از این قتل‌ها در مکان‌های خصوصی (خانه) و ۷۵ درصد در مناطق شهری اتفاق افتاده است.

روش‌های قتل :شلیک گلوله (۲۹٪)، ضربات چاقو (۲۹٪) و زیر گرفتن با خودرو (۱۷٪) از شایع‌ترین روش‌ها بوده‌اند.

پیامدها :دست‌کم ۱۱۹ کودک در پی این خشونت‌ها مادر خود را از دست داده‌اند.

خشونت خانگی در امریکا

آمار رسمی و سراسری دقیقی از کل تعداد زنان کشته‌شده بر اثر خشونت خانگی در کل ایالات متحده آمریکا برای تمام سال ۲۰۲۵ توسط نهادهای دولتی (مانند اف‌بی‌آی یا مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها - CDC)هنوز به‌صورت نهایی و جامع منتشر نشده است، اما داده‌های موجود نشان‌دهنده ابعاد زیر است :

میانگین روزانه :گزارش‌های سازمان‌های مدافع حقوق زنان و آمار ملی نشان می‌دهد که در آمریکا به‌طور متوسط **حدود ۳ زن در روز** (یا حدود ۲,۰۰۰ تا ۲,۴۰۰ زن در سال) توسط شریک عاطفی یا همسر خود به قتل می‌رسند (برخی گزارش‌های جدیدتر این آمار را تا حدود ۶ زن در روز در برخی بازه‌ها تخمین زده‌اند .

روند سال ۲۰۲۵ :در حالی که در سال ۲۰۲۵ میزان جرائم خشونت‌آمیز عمومی و قتل در برخی شهرهای بزرگ آمریکا کاهش داشته است، **خشونت‌های خانگی و قتل‌های مرتبط با آن** در بسیاری از ایالت‌ها و شهرها (مانند شیکاگو و اوهایو) با افزایش یا ثبات نگران‌کننده‌ای روبه‌رو بوده است .

آمار جهانی سازمان ملل :بر اساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)و زنان سازمان ملل، سالانه حدود ۵۰,۰۰۰ زن و دختر در سراسر جهان به دست شرکای عاطفی یا اعضای خانواده کشته می‌شوند.



خشونت خانگی در آلمان

بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای مبتنی بر داده‌های پلیس ایالتی، در سال ۲۰۲۵ **دستکم ۱۷۲ زن** بر اثر خشونت‌های خانگی در آلمان کشته شده‌اند. این آمار هنوز کامل و سراسری نیست زیرا گزارش رسمی و سالانه پلیس جنایی فدرال آلمان (BKA)برای سال ۲۰۲۵ هنوز منتشر نشده و داده‌های چهار ایالت نیز در این آمار لحاظ نشده است .

جزئیات آمارهای موجود برای سال ۲۰۲۵

داده‌های اولیه از ۱۲ ایالت .طبق استعلام شبکه تحریریه آلمان (RND) از ادارات پلیس جنایی ایالت‌ها در نوامبر ۲۰۲۶، در مجموع دستکم ۲۵۶ نفر در ارتباط با خشونت خانگی در سال ۲۰۲۵ جان باخته‌اند که ۱۷۲ نفر (حدود دو سوم) آن‌ها زن بوده‌اند.

نقص داده‌های سراسری .چهار ایالت هسن، مکا نبورگ-فورپومرن، نیدرزاکسن و تورینگن تا زمان انتشار این گزارش آماری ارائه نکرده بودند. به همین دلیل رقم واقعی قربانیان زن در کل کشور بیشتر است.

گزارش تکمیلی ایالت تورینگن. پلیس ایالت تورینگن در گزارش جداگانه‌ای در نوامبر ۲۰۲۶ اعلام کرد که در سال ۲۰۲۵ در این ایالت (۷ **زن** از مجموع ۱۰ قربانی خشونت خانگی) کشته شده‌اند. با افزودن این رقم، تعداد زنان کشته شده ثبت‌شده در ۱۳ ایالت به **دستکم ۱۷۹ نفر** می‌رسد.

رکورد در برلین .در شهر برلین در سال ۲۰۲۵ در مجموع ۲۴ نفر بر اثر خشونت خانگی جان باختند که بالاترین رقم ثبت‌شده از سال ۲۰۱۱ به شمار می‌رود.

خشونت خانگی در کشورهای اسکاندیناوی

در سال ۲۰۲۵، **حداقل ۲۵ زن در سه کشور اصلی اسکاندیناوی (سوئد، نروژ و دانمارک)**بر اثر خشونت‌های خانگی و به دست شریک زندگی فعلی یا سابق خود به قتل رسیده‌اند .اگر فنلاند را نیز به عنوان بخشی از منطقه نوردیک (شمال اروپا) در نظر بگیریم، این آمار حدود **۱۵ تا ۲۰ نفر دیگر** افزایش می‌یابد.

در ادامه، آمار تفکیک‌شده هر کشور بر اساس گزارش‌های رسمی پلیس و نهادهای دولتی در سال ۲۰۲۵ آمده است:

آمار قتل زنان ناشی از خشونت شریک زندگی در سال ۲۰۲۵

سوئد : ۱۱ زن .(طبق آمار رسمی شورای ملی پیشگیری از جرم سوئد(Brå) ، از مجموع ۲۵ زنی که در سال ۲۰۲۵ به قتل رسیدند، ۱۱ نفر به دست شریک زندگی فعلی یا سابق خود کشته شدند .

دانمارک: حدود ۹ تا ۱۰ زن .(بر اساس گزارش‌های سازمان حقوق بشر دانمارک و رسانه‌های این کشور، در سال ۲۰۲۵ مجموعاً ۱۶ زن کشته شدند که دستکم ۹ تا ۱۰ مورد از آن‌ها قتل به دست شریک زندگی (خشونت خانگی) بوده است. (برخی تحلیل‌های حقوقی در سال ۲۰۲۶، کل این ۱۶ مورد را در دسته‌بندی خشونت‌های مرتبط با شریک زندگی بررسی کرده‌اند.)

نروژ ۵ زن). طبق گزارش سالانه واحد تحقیقات جنایی پلیس نروژ(Kripos) ، سال ۲۰۲۵ یکی از



نروژ ۵ زن .(طبق گزارش سالانه واحد تحقیقات جنایی پلیس نروژ (Kripos)، سال ۲۰۲۵ یکی از کم‌حادثه‌ترین سال‌ها از نظر آمار قتل در نروژ بود و در مجموع ۵ نفر به دست شریک زندگی فعلی یا سابق خود کشته شدند که هر ۵ قربانی زن بودند .

(وضعیت فنلاند منطقه نوردیک)

فنلاند حدود ۲۰ زن کشته شده.اگرچه فنلاند از نظر جغرافیایی و فرهنگی در حوزه نوردیک قرار می‌گیرد نه اسکاندیناوی، اما گزارش‌های رسانه‌های فنلاندی و نهادهای حقوق زنان نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ دست‌کم **۲۰ زن** بر اثر خشونت‌های مرگبار جان خود را از دست دادند که عامل اکثریت قریب‌به‌اتفاق آن‌ها، همسر، شریک عاطفی یا اعضای خانواده بوده‌اند. همچنین طبق آمار مرکز آمار فنلاند، موارد ثبت‌شده خشونت خانگی غیرمرگبار در این کشور در سال ۲۰۲۵ به رکورد بی‌سابقه ۱۵,۵۰۰ قربانی رسید .

نکات مهم درباره این آمارها

تفاوت در تعاریف آماری .نهادهای پلیسی در کشورهای اسکاندیناوی معمولاً آمار «قتل توسط شریک زندگی (Intimate Partner Homicide) «را به صورت دقیق منتشر می‌کنند. مواردی که در آن زنان به دست سایر اعضای خانواده (مانند پدر، برادر یا فرزند) کشته می‌شوند، ممکن است در دسته‌بندی‌های عمومی‌تر قتل قرار گیرند و عدد نهایی خشونت خانگی را کمی بالاتر ببرند .

روند کلی .در مقایسه با میانگین جهانی که بر اساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC)روزانه حدود ۱۳۷ زن و دختر به دست شریک زندگی یا خانواده کشته می‌شوند، آمار قتل‌های خانگی در اسکاندیناوی بسیار پایین است؛ با این حال، نرخ گزارش‌دهی خشونت‌های غیرمرگبار (فیزیکی و روانی) در این کشورها به دلیل قوانین حمایتی و آگاهی اجتماعی بالا است .

مقایسه این آمار با **سال‌های گذشته (مثلاً ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴)** برای بررسی روند افزایشی یا کاهشی بررسی **قوانین جدید** که سوئد و دانمارک اخیراً برای مقابله با خشونت‌های روانی و خانگی تصویب کرده‌اند.

خشونت خانگی در بریتانیا

بر اساس آخرین آمارهای رسمی و گزارش‌های منتشرشده توسط نهادهایی مانند دفتر آمار ملی بریتانیا (ONS) و پروژه‌های نظارت بر قتل زنان(Femicide Census) ، وضعیت خشونت خانگی و زن‌کشی در انگلیس و ولز به شرح زیر است:

۱ .آمار خشونت خانگی

تخمین کل قربانیان :بر اساس نظرسنجی جرم در انگلیس و ولز(CSEW) ، تخمین زده می‌شود که حدود **۳.۸ میلیون نفر**)افراد ۱۶ سال به بالا) در طول یک سال قربانی خشونت خانگی بوده‌اند که از این میان، حدود **۲.۲ میلیون نفر زن** و ۱.۵ میلیون نفر مرد بوده‌اند .

پرونده‌های ثبت‌شده توسط پلیس: پلیس انگلیس و ولز در سال منتهی به مارس ۲۰۲۵ بیش از **۸۱۶ هزار جرم** مرتبط با خشونت خانگی را ثبت کرده است. حدود **۷۲ درصد** از قربانیانِ جرائم ثبت‌شده مرتبط با



خشونت خانگی را زنان تشکیل می‌دهند.

کم‌گزارش‌شدن (Under-reporting): برآوردها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بخش بزرگی از موارد خشونت خانگی هرگز به پلیس گزارش نمی‌شوند، زیرا قربانیان بنا به دلایلی نظیر خصوصی دانستن مسئله، ترس یا عادی‌سازی رفتار آزارگر، از گزارش آن خودداری می‌کنند.

۲ .آمار قتل زنان / (Femicide) زن‌کشی)

نرخ کلی قتل :در سال منتهی به مارس ۲۰۲۵، آمار کلی قتل‌های ثبت‌شده توسط پلیس در انگلیس و ولز نشان می‌دهد که حدود **۱۰۴ قربانی زن** وجود داشته است (در مقابل ۲۵۴ قربانی مرد که در اکثر موارد مظنون اصلی آن‌ها نیز مردان بوده‌اند.)

آمار بلندمدت و گزارش‌های «پروژه قتل‌های خانگی» و **:قتل‌های خانگی و توسط شریک زندگی** گزارش‌های تحلیلی نشان می‌دهد که حدود **۶۰ تا ۶۲ درصد** از زنان به قتل رسیده، قربانی شریک جنسی در بسیاری از پرونده‌های **:تکرار الگوی خشونت** .وandفعلی یا پیشین خود یا یکی از اعضای خانواده بوده قتل، مردانِ مرتکب جرم، سابقه قبلی خشونت علیه زنان را داشته‌اند و بخش قابل توجهی از قتل‌ها در محیط .خانه یا بلافاصله پس از تلاش زن برای جدا شدن از شریک زندگی رخ داده است

خودکشی‌های ناشی از خشونت خانگی :پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند که علاوه بر قتل‌های مستقیم، تعداد قابل توجهی از زنان تحت فشار شدیدِ روانی و فیزیکی ناشی از خشونت خانگی به سمت خودکشی سوق داده می‌شوند که آمار واقعی آن‌ها در آمارهای رسمی جرم‌وجنایت به طور کامل منعکس نمی‌شود .

اگر مایلید، می‌توانید مشخص کنید که آیا به **گزارش‌های منطقه‌ای خاصی (مثل اسکاتلند یا ایرلند شمالی)** علاقه‌مندید یا به **راهکارهای حمایتی و سازوکارهای قانونی** در این زمینه نیاز دارید تا جزئیات بیشتری در اختیارتان قرار دهم.

دو برابر شدن قتل‌های خانگی زنان در انگلیس

اداره ملی آمار انگلیس

به گزارش سرویس بین الملل- --خبرگزاری صدا و سیما به نقل از تلویزیون آی تی وی، تعداد زنانی که در انگلیس قربانی خشونت خانگی شده و به قتل رسیده اند، در دوران محدودیت‌های کرونایی دو برابر شده است.

در یک دهه گذشته، ۱۴۲۵ زن در انگلیس به قتل رسیده اند. این آمار یعنی تقریبا هر سه روز یک نفر. این آماری وحشتناک است که در ده سال گذشته به رغم کاهش کلی جرایم خشونت آمیزدر این کشور، تغییر نکرده است.

نهادهای خیریه فعال در این خصوص، اعلام کردند در چند هفته نخست اعمال محدودیت‌های کرونایی، میزان خشونت‌های خانگی، سه برابر آمار معمول شده است.

ارقام اداره ملی آمار انگلیس هم این موضوع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد از زمان وضع محدودیت‌های کرونایی، رفتار هاي ناهنجار خانگی افزایش یافته است و یک پنجم جرم‌های ثبت شده در چهار ماه بعد از مارس را شامل می‌شود که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، هفت درصد افزایش نشان می‌دهد.

این آمار نشان می‌دهد ۶۲ درصد زنانی که در یک دهه گذشته در این کشور به قتل رسیده اند، در خانه‌های خود و به دست شریک وقت یا سابق زندگی شان به قتل رسیده اند. این در حالیست که یک سوم این زنان پلیس را از شرایط پرخطری که درآن به سر می‌بردند، با خبر کرده بودند.



اکنون دو زن که دخترانشان به این شکل به قتل رسیده اند، برای تغییر در این روند مبارزه می‌کنند.
مادر الی گولد ۱۷ ساله می‌گوید او در حالیکه جان داده بود، کف آشپزخانه پیدا شد در حالی که ۱۳ بار از ناحیه گردن هدف ضربه‌های چاقو شریک سابق زندگی اش قرار گرفته بود.
مادر دیگر هم می‌گوید که دخترش با ۴۹ ضربه چاقوي کسی که زمانی با او زندگی می‌کرد، کشته شد.
خبرنگار می‌گوید: اگر دختر شما را یک غریبه کشته بود ۲۵ سال زندانی می‌شد، اما حالا که شریک سابق زندگی او این جرم را مرتکب شده است، مجازات او ۱۵ سال است فقط به خاطر اینکه دختر شما قاتل را می‌شناخت.
مادر دیگر می‌گوید: این برخورد متفاوت درست نیست. شما ممکن است در خیابان هدف خشونت کسی قرار بگیرد. هرچند این خشونت هم نفرت انگیز است، اما دختران ما در خانه‌های خود و از طرف کسانی که می‌شناختند با چنین خشونتی مواجه شدند و در عین حال به نظر می‌رسد پرونده‌های آن‌ها فراموش شده است.
این دو زن هم اکنون برای تغییر قانون تلاش می‌کنند.
پلیس در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما می‌دانیم که برخی مردم در خانه‌های خود در امان نیستند. به این علت است که ما اقداماتی را برای محافظت بهتر از قربانیان اتخاذ می‌کنیم و عاملان را به دست عدالت می‌سپاریم و از اتفاقاتی که رخ داده برای جلوگیری از تراژدی‌های آینده استفاده می‌کنیم.
یکی از مادران می‌گوید: همه صحبت‌ها درباره مقابله با عاملان این جرایم خشونت آمیز هنوز در عمل به نتیجه نرسیده و در حد تیتر اخبار باقی مانده است.

نتیجه یک گزارش: یک زن از هر هشت زن بریتانیایی در سال گذشته قربانی خشونت جنسی یا خانگی شده است

شفقناافغانستان- بر پایه آمارهای تازه منتشرشده از سوی دفتر آمار ملی انگلیس(ONS) ، در سال منتهی به مارس ۲۰۲۵، از هر هشت زن در انگلیس و ولز، یک نفر قربانی خشونت جنسی، خشونت خانگی یا تعقیب و آزار بوده است.
به گزارش شفقنا؛ وبگاه آرتی عربی نوشت: «این داده‌ها در قالب "طرح پیمایش جرم در انگلیس و ولز" منتشر شده و نشان می‌دهد که حدود ۵.۲ میلیون نفر از افراد بالای ۱۶ سال – معادل ۱۰.۶ درصد از کل جمعیت – احتمالاً دست‌کم یکی از این اشکال خشونت را تجربه کرده‌اند. این رقم در میان زنان به ۱۲.۸ درصد رسیده، در حالی‌که در میان مردان ۸.۴ درصد گزارش شده است.»
جزئیات تفکیکی این آمار نشان می‌دهد:
حدود ۲.۹ درصد از جمعیت (نزدیک به ۱.۴ میلیون نفر) قربانی تعقیب و مزاحمت بوده‌اند
حدود ۷.۸ درصد (حدود ۳.۸ میلیون نفر) قربانی خشونت خانگی شده‌اند
حدود ۱.۹ درصد (نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر) تجربه تجاوز یا آزار جنسی داشته‌اند
و حدود ۸.۶ درصد (معادل ۴.۲ میلیون نفر) نوعی از آزار و اذیت را گزارش کرده‌اند
همچنین در سال منتهی به مارس ۲۰۲۴، برآورد شده بود که حدود ۵.۴ میلیون نفر (معادل ۱۱.۳ درصد جمعیت) تجربه‌ای مشابه از این نوع جرایم داشته‌اند. با این حال، دفتر آمار ملی هشدار داده که



مقایسه مستقیم این ارقام با سال‌های گذشته دشوار است، چرا که داده‌ها هنوز در حال توسعه و بازبینی هستند.

بر پایه آمار جداگانه‌ای که در همین پیمایش آمده، در مجموع حدود ۹.۴ میلیون جرم عمومی در انگلیس و ولز در سال منتهی به مارس ۲۰۲۵ ثبت شده که نسبت به سال پیش، افزایشی ۷ درصدی داشته است.

طبق این گزارش، عامل اصلی این افزایش، رشد ۳۱ درصدی موارد کلاهبرداری عنوان شده که شمار آن‌ها به حدود ۴.۲ میلیون مورد رسیده است؛ رقمی که از زمان آغاز ثبت این نوع جرایم در سال ۲۰۱۷ بی‌سابقه بوده است.

منبع: بی‌بی‌سی

۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان



طرح: گاردین

ایجاد خانه های امن در همه شهرها به منظور اسکان زنان آسیب دیده و در معرض خشونت می تواند تا حد زیادی موجب کاهش خشونت علیه زنان و به خصوص قتل های ناموسی شود.

ارائه خدمات حقوقی، روانشناسی و پزشکی رایگان می تواند کمک بزرگی به زنان به ویژه به زنان فقیر در معرض خشونت باشد.

وضع قوانین حمایتی و لغو قوانین تبعیض آمیز و زن ستیز می تواند تا حدود زیادی موجب کاهش خشونت علیه زنان شود.

"جمعی از فعالان زنان"



حبس ابد برای «زن کُشی» در مجلس تصویب شد !



پارلمان ایتالیا به اتفاق آرا قانون جدیدی را تصویب کرد که جرم متمایزی به نام زن‌کشی - قتل با انگیزه جنسیتی یک زن - را به طور خودکار با حبس ابد مجازات می‌کند.

به نقل از رویترز، در یک اقدام نمادین، این لایحه در روزی که به حذف خشونت علیه زنان در سراسر جهان اختصاص داده شده بود، تصویب شد.

ایده قانون زن‌کُشی پیش از این در ایتالیا مورد بحث قرار گرفته بود، اما قتل جولیا چچتین ۲۲ ساله توسط دوست پسر سابقش فاجعه‌ای بود که کشور را شوکه کرد. این قتل تا زمان دستگیری‌اش تیتر اول اخبار بود، اما واکنش قدرتمند النا، خواهر جولیا، بود که ماندگار شد.

او گفت **قاتل یک هیولا نبود، بلکه «فرزند سالم» یک جامعه عمیقاً مردسالار بود** .این کلماتی بود که جمعیت زیادی را در سراسر ایتالیا به خیابان‌ها کشاند و خواستار تغییر شد.

دو سال پارلمان، به قانونی در مورد زن‌کشی رأی دادند. این قانون، ایتالیا را به یکی از معدود مکان‌هایی تبدیل می‌کند که زن‌کشی را به عنوان یک جرم مجزا طبقه‌بندی می‌کند.

بسیاری امروز روبان قرمز یا ژاکت قرمز پوشیدند تا قربانیان خشونت را به یاد بیاورند.





عمل جنسی بدون رضایت تجاوز تعریف میشود!

نمایندگان پارلمان فرانسه در ماه اکتبر، لایحه‌ای را تصویب کردند که هرگونه عمل جنسی بدون رضایت را تجاوز تعریف می‌کند؛ بدین‌ترتیب، فرانسه به تازه‌ترین کشور اروپایی تبدیل شد که قانون مبتنی بر رضایت را به تصویب می‌رساند. بر اساس این مصوبه، اصل رضایت در تعریف جرم تجاوز در قانون کیفری فرانسه گنجانده می‌شود.

این اقدام در پی پرونده ژیزل پلیکو صورت می‌گیرد، پرونده‌ای که فرانسه را تکان داد و بحث مفهوم رضایت جنسی را به صورت عمومی مطرح کرد. در بازه سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ همسر ژیزل، دومینیک پلیکو، قرص خواب و داروی ضداضطراب در غذای او می‌ریخت و بیهوشش می‌کرد. سپس با دعوت از مردان غریبه و در همراهی با آنها به ژیزل تجاوز می‌کرد. در ماه نوامبر سال ۲۰۲۲، پلیس به ژیزل اطلاع داد که در کامپیوتر دومینیک فایلی پیدا کرده که حاکی از تجاوزهای پی‌درپی به او در خانه خودش است. در دادگاه، ۵۱ مرد بابت تجاوز به ژیزل محکوم شدند از جمله دومینیک که ۲۰ سال حبس دریافت کرد .

نماینده میانه‌رو، ورونیک ریوتون (پس از تصویب این لایحه گفت: این متن نشانگر گذار از فرهنگ تجاوز به فرهنگ رضایت است. در متن قانون آمده است که رضایت باید «آزادانه و آگاهانه، مشخص، پیشینی و قابل بازپس‌گیری» باشد و بر اساس شرایط هر موقعیت ارزیابی شود؛ همچنین تاکید می‌کند که رضایت را نمی‌توان از سکوت یا فقدان واکنش استنباط کرد. به‌علاوه، «در صورتی که عمل جنسی با خشونت، اجبار، تهدید یا غافلگیری انجام شود، رضایتمندانه محسوب نمی‌شود.»

گروه‌های مدافع حقوق زنان و نهادهای مدنی از این اصلاحیه استقبال کرده‌اند، هرچند تاکید دارند که این اقدام باید با تغییرات عمیق‌تر فرهنگی و اجتماعی همراه باشد- CIDFF .که یکی از سازمان‌های فمینیستی در فرانسه است- خواستار آن شد که این اصلاحیه با ارتقاء آموزش جنسی، آموزش تخصصی برای مقامات قضایی و پلیس، و افزایش منابع حمایتی برای قربانیان همراه باشد. لولا شولمان، مدیر ترویجگری در سازمان عفو بین‌الملل فرانسه، در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه گفت: «این گامی تاریخی و رو به جلوست که در ادامه مسیر چند کشور اروپایی دیگر برداشته شده است. اما تنها قدمی اولیه است، چون هنوز راه زیادی تا پایان دادن به مصونیت از مجازات در برابر خشونت‌های جنسیتی و جنسی در پیش داریم.» تعریف تجاوز بر اساس رضایت، پیش‌تر در قوانین چند کشور اروپایی دیگر از جمله آلمان، هلند، اسپانیا و سوئد نیز به تصویب رسیده است.../از آزار در محیط کار

فروغ فرخزاد

تن های هرزه را سنگسار می کنند
غافل از اینکه شهر پر از فاحشه های مغزی است
و کسی نمی داند مغزهای هرزه ویرانگرترند
تا تن های هرزه



خشونت علیه زنان در ایران،

خشونت علیه زنان در ایران
یک اتفاق شخصی یا خانوادگی نیست
الگوها
ساز و کاره...
و بدن زن ها....
هنوز یکی از میدان های اصلی کنترله
بین ۴
طی فقط یک سال پیش از ۱۱۰ زن و دختر
در خشونتهای و خانوادگی به قتل رسیدن!
, بررسی های آماری نشون میده که دختران
در رده های سنی ۵، ۹، ۱۳، ۱۸، ۲۳ ساله
از قربانیان خشونتهای خانگی بودن....
دلایل تکرار شونده در همه پرونده ها
قتل های ناموسی....
کودک همسری.....
مخالفت با طلاق
و کنترلگری!
بوده و همچنان هست
چاقو
اسلحه
خفه کردن
سوزاندن
اسید پاشی
و در ده ها پرونده
قاتل پس از قتل،
خودکشی کرده
البته که....
از تجاوز و آزار جنسی
بیرون از محیط خونه
غافل نباید بشیم!
از تجاوز در آمبولانس .....
تا آزار زنان جویای کار.....
از تجاوز کارگری
تا زندانی کردن زن و کودک
برای سالها.....
خشونت فقط محدود به خانه نشده!
بازداشت!
احضار!
شلاق!
حبس!
پایبند الکترونیکی!
لغو کنسرت ها!
پرونده سازی
پوشش و صدا!
اینها استثنا نیستن....
پراکنده نیستن.....
تصادف هم نیستند...
اینها بخشی از یک الگوی سازمان یافته اند




#نه_به_خشونت_علیه_زنان


۱۲.۵ میلیون دختر
نوجوان در سال
گذشته خشونت
جسمی و یا جنسی از
سوی شریک صمیمی
خود را تجربه کرده‌اند.

نظام سرمایه داری و تشدید خشونت برعلیه زنان، چالش ها و راهکارها



زهره: زن کشی و قتل های ناموسی تکان دهنده، همچنان بیداد می کند

کبری سلطانی: کار خانگی و استثمار ساختاری در نظام سرمایه داری

سحر صبا: جنگ، نابرابری و خشونت علیه زنان، چالش ها و راهکارها

لیدا احمد: پیامدهای اجتماعی و روانی سیاست های سرکوبگرانه طالبان علیه زنان در افغانستان

یکشنبه 29 نوامبر 2026 – 19 آذر 1405

ساعت 19.00 بوقت اروپای مرکزی، به وقت ایران 21.30

آلترناتیو طبقه کارگر

clubhouse





من یک زنم

من زن صد ساله ام
صدها هزار ساله ام
زنی که تمامی رنجها را از هزاران سال پیش کشیده است
در قرون وسطا، مرا چون جادوگری به آتش کشیدند
گاهی بخاطر زن بودنم، در کودکی زنده بگورم کردند
در جای جای این کره خاکی، گاهی بخاطرعشق آتشم زدند، سنگسارم کردند
برای رشادتهایم
برای مبارزاتم
برای آزادی
بخاطر اینکه کارگرم
دهقانم
برای مادر بودنم
برای خواهر بودنم
بخاطر زن بودنم
به دارم کشیدن و تیربارانم کردند
حتا وقتی جلادان میخواستن مرا به دار بکشند، شکنجه ام کردند، تجاوزم کردند
من زنم، زنی که به اندازه این کره خاکی عمر دارم و رنجها کشیده ام
فریادهایم قرنهاست دل همگان را به درد می آورد
من سفیدم، سیاهم، قرمز و زرد م
به هر رنگی که باشم یک زنم، زنی که دیگر نمی خواهد به سان گذشته زندگی کند
زنی که میخواهد دگرگون کند، زنی که دیگر پایبند قوانین شما نیست
زنی که می خواهد آزاد و رها باشد و دیگران را نیز رها سازد

پروانه قاسمی




۸۴۰ میلیون زن قربانی خشونت؛ بحرانی که مرز نمی‌شناسد
گزارشی تازه از سازمان جهانی بهداشت (WHO) و نهادهای شریک سازمان ملل